

کمیسیون داخله -- آقای احتشام الدوله --
آقای منتصر الملک -- آقای عدل السلطنه -- آقای
مقبل السلطنه -- آقای نصر دیوان -- آقای آصف الممالک
آقای بیان الدوله - آقای کازرونی

این سه کمیسیون باید بعد از ختم جلسه منعقد شود
و هیئت رئیسه خودشان را هم معین کنند و روز سه شنبه
صبح رؤسای کمیسیونها تشریف بیاورند و ایام انعقاد
جلسات خودشان را معین کنند.

رئیس التجار - کمیسیون داخله فرمودید ۱۲
نفر اینکه اسم بردید ۸ نفر بود.

رئیس - هشت نفر اکثریت پیدا کرده اند .
دستور جلسه آینده روز سه شنبه دو ساعت بفرود اول
شور در بقیه پروگرام هیئت دولت ثانیاً شور در قانون
مالیه اگر وقت شد شور در معاهده دولتین ایران و چین
آقایان مخالف نیستند ؟
(اظهاری نشد)

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۴۳

صورت مشروح مذاکرات یوم ۳ شنبه

۲۴ صفر ۱۳۴۰

مطابق دوم عقرب ۱۳۰۰

مجلس مقارن مغرب در تحت ریاست آقای موتمن -
الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۱
صفر را آقای تدین قرائت نمودند
رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست
میرزا ابراهیم قهی - بنده علاوه بر دار -
الترجمه تأسیس اکادمی را هم معتقد بودم در صورت
مجلس ذکر نشد
رئیس - دیگر اعتراضی نیست - اظهاری نشد
صورت مجلس تصویب گردید دستور امشب :

اولاً بحث در بقیه مواد پروگرام هیئت محترم دولت
ثانیاً بحث در ماده واحده راجع بتشکیلات مالیه است
ولی قبل از وقت پاره مطالب است که باید بعرض آقایان
محترم برسد چندی قبل که آقای ارباب کیخسرو اظهار
کسالت کردند شغل مباشرت را قبول نمی نمودند بعد از
آنکه جمعی از آقایان و کلاه ایشان را ملاقات و مذاکره
نمودند بالاخره بمقتضای این که ایشان همیشه حاضر برای
خدمت نسبت بمجلس هستند حاضر شده اند در شغل
سابق خودشان موافق میل مجلس برقرار باشند و معلوم
است هیئت رئیسه از این تصمیم ایشان کمال تشکر و
امتنان را دارد و بنده بطور ختم می دانم مجلس شورای
ملی نیز نسبت بایشان همین حقیقت را دارد (جمعی گفتند
صحیح است) اعضای کمیسیونها هم بعضی کسر است
که باید در موقع تنفس انتخاب شوند کمیسیون خارجه
یک نفر کسر دارد که باید تعیین شود کمیسیون قوانین
مالیه یک نفر کسر دارد و کمیسیون معارف هم دو نفر
لازم دارد و چون آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله
که برای کمیسیون عدلیه اخیر انتخاب شده اند بموجب
نظامنامه در بیش از دو کمیسیون نمی توانند عضویت
داشته باشند و در کمیسیون خارجه و کمیسیون بودجه
عضویت دارند لهذا لازم است برای کمیسیون عدلیه
دو نفر دیگر بجای ایشان انتخاب فرمایند حالا داخل در

مذاکرات می شویم اولاً شور در پروگرام هیئت دولت
بعث در ماده ۷ است کسی اجازه نمی خواهد اظهاری
نشد معلوم می شود در ماده ۷ مخالفی نیست گفته
شد خیر

رئیس - شروع می کنم بماده هشتم آقای
فهیم الملک

(اجازه نطق)

فهیم الملک - ماده هشتم پروگرام هیئت
وزراء راجع است بوضع قانون استخدام و وضع قانون استخدام
مسئله ایست که بنده شخصاً از ابتدای مشروطیت تا بحال
آرزوی کردم و اگر در خاطر آقایان محترم باشد دوره
دوم مجلس شورای ملی یک طرح قانونی راجع بطریق
استخدام بمجلس پیشنهاد کردم شور اول هم بعمل آمد
متأسفانه بواسطه پیش آمد و حوادث اخیر مجلس دوم
شور دوم باقی ماند و تا بحال دیگر اقدامی نشد و اگر
عرض کنم پیشرفت سایر مواد پروگرام هم بسته باین
ماده است افرای عرض نکردم و خیلی از آقای رئیس -
الوزراء تشکر می کنم زیرا این اولین دفعه ایست که هیئت
دولت این مطلب را در جزء مواد پروگرام خودش قرار
دهد معلوم می شود اهمیت موضوع بر هیئت دولت و عموم
طبقات واضح شده است از وقتی که شروع بتشکیلات
ادارات دولتی کردند در هر وزارتخانه یا اداره یک
شبهه باسم پرسنل تشکیل شد اصلاً ایجاد پرسنل در هر
جائی برای این بوده است که قوانین وضع شود و به
موجب آن قوانین اشخاص صالح برای هر کار با
معلومات معین انتخاب شوند و میشد
اعمال نیک و بد آنها یا خدمت و خیانت یا درجه
شایستگی و لیاقت آنها در دفاتر مخصوص ثبت شود
بعبارت اخیری دفتر پرسنل تجلی سعادت و ترقی یا تنزل
مأمورین است که مأمورین هم بدانند که بدون عرض
هزو و بروز دیانت ممکن نیست رتبه را حائز بشوند
اما پرسنلی که در ادارات ما ایجاد شد عبارت بود از
دفتری که در باره اشخاص بدون رعایت نظامنامه اداری
و بدون رعایت استحقاق اشخاص فقط بحکم روسای
مافوق در آن دفتر ثبت میشد این معنی پرسنل این
مملکت بود در این که از معایب ادارات مذاکره میشود
آقایان علاج منحصر بفرود مجازات مأمورین میدانند
یعنی علت خرابی را عدم مجازات مأمورین تصور
میکنند بنده با اینکه مخالف نیستم و البته باید اشخاص
مقصر یا اشخاصی که از وظایف خود کوتاهی میکنند
مجازات شوند ولی باین ترتیب مخالف هستم زیرا
مأمورین را در مقابل خدمت بچه یاداش سرافراز
میکند که باید بمجازات تهدیدشان بکنند مأمورین
و مستخدمین دولت فعلاً چه امیدواری ثابت و اطمینانی
بعسن خدمت دارند که بگویم از انحراف آن مجازات
شوند مجازات مستخدمین یا مأمورین عبارت است از
اخطار یا ملامت اداری یا کسر حقوق یا انفصال اما
مأمورین ما که از روز اول که سرکار میروند مدهیهای
مقام آنها نسبت بآنها ملامت میکنند و فحش می دهند
و از همان روز اول تنزل رتبه غیره درباره آنها معمول
است فقط چیزیکه کسر دارند یک سه پایه و شلاق است
که روزی یک مرتبه هم آنها را شلاق بزنند و الا دیگر
مجازات بنظر نمی آمد اول درجه مجازات عبارت است

از محروم بودن از یاداش که باید بآنها داده شود
ولی مستخدمین که مقدرات آنها بسته به هوا و هوسهای
روسای مافوق یا وزرای وقت است البته از آنها
نمی توان انتظار اعمال نیکو و صحیح داشت مأموریکه
در هر موقع انتظار انفصال خود را دارد و می داند همه
چیزی در مقدرات او مؤثر خواهد بود جز خدمت و
خیانت چه خواهد کرد؟ زیرا هیچ دیده نشده مأمور را
برای خیانت مجازات و از کار خارج کنند یا اینکه
در مقابل خدمت او ارتقاء مقام یا اضافه حقوق دهند
برعکس این مطالب استخدام مأمورین همیشه تابع
اصول اداری ملاحظاتی شخصی است که فقط در اوضاع
مستخدمین مؤثر است مثلاً وزارت خارجه سابقاً در
بعضی نقاط کارگزاری داشت و در بعضی نقاط که
بی اهمیت بود سرپرست مفرستاد از جمله در عراق ولی
در ایامی که فوشن روس آنجا آمد برای پاره ملاحظاتی
شخصی اهمیت کارگزاری در سیم را با آنجا دادند و
بعد از آن کم کم مقام کارگزاری درجه اول را بمأمور
آنجا دادند مثل آذربایجان و خراسان
و مقرری و مصارف آنجا را هم مثل همان نقاط میدادند
خیلی باید تشکر کرد که حوادث اوضاع را تغییر داده
والاشابه ملاحظاتی شخصی ما را مجبور میکرد که در
عراق سفیر کبیر داشته باشیم مأمورین یک حدود
تکالیفی دارند که مطابق نظامنامه اداری باید رعایت
کنند و تکلیف اداره این است که احدی را بدون حائز
نیودن شرایط قانونی قبول نکنند و پس از دخول در
خدمت برای رسیدن بمقامات عالیه باز مطابق شرایطی
که نظامنامه اداری تعیین میکند باید بروزنامات و دیانت
و لیاقت بدهد و مطمئن هم باشد که خدمتشان
هیچوقت فکترم نخواهد ماند و هم چنین مطمئن باشد که
اگر در ضمن خدمت فوت کند یا مبتلا بر مرض بشود
در هر حال دولت از بازماندگان او نگاهداری خواهد
کرد حتی در سال خوردگی و پیری که دیگر نمی تواند
کار کنند دولت او را نگاهداری خواهد کرد البته
مأمورین که باین شرایط داخل در خدمت شوند و
بدانند این شرایط درباره آنها رعایت خواهد شد
حتی الامکان سعی می کنند از این شرایط محروم نمانند البته
ممکن است در ضمن بعضی اشخاص کارهای بدی بکنند
ولی آنها چنانچه بداند نه مثل امروز که بهمه مأمورین
ممکن است یک نسبت هائی بدهند این برای این است
که از روز اول در کار خود مطمئن نیستند البته باید
اداره سعی کند که برای مأمورین خود کار بر اداری
ترتیب دهد یعنی اینکه اگر بیست سال سی سال در
اداره بماند اداره باید آنها را به مأموریتها و کارهای مهم
مختلف بفرستد و برای هر گونه مأموریتهای مهم اجزای قابل
لایق داشته باشد امروز اگر برای مأموریت خارجه
چهار نفر سفیر بخواهیم تهیه کنیم شاید کمتر موفق
شویم شاید هیچ پیدا نکنیم زیرا مأموریت های خارج
برای یک اشخاص یعنی مونوپول شده که هیچ وقت
از جای خود حرکت نمی کند معتقدم هستند باینکه من
در اینجا راحت هستم اگر راحت خوب است برای
دیگران هم خوب است چرا آنها نباید یک مدتی بیایند

به مملکت خرید خدمت کنند برای آنکه در آنجا کار کرده و یک قدری با اوضاع و ترتیب اداری آنجا مأیوس شده اند اگر وزارت خارجه هم بخواهد یکی از آنها را تغییر دهد متوسل می شوند بدولت متوقف نمانند که آنها را منصرف نکند بنده کاملاً با مأمورین و مستخدمینی که بوسائل خارجی بخواهند متشبث شوند خودشان را تحمل بدولت کنند از حقوق ایرانیت معروم می دانم (گفته شخص صحیح است) زیرا اینها میگردند که مداخلات غیر مشروع را در کارهای داخلی ایجاد می کنند باری مقصود این بود که مأمورینی که باید از آنها انتظار کار داشت باید مأمورینی باشند که همه طور دولت خاطر آنها را مطمئن کرده باشد و هر روزی در اصل انتصاب خودشان بتواند آنها را تغییر و تبدیل بدد شاهزاده نصرت الدوله در ضمن فرمایشات پریش خودشان فرمودند وزیر می تواند با اقتضای وقت تغییر و تبدیل دهد بعنوان میزان دیس پنی بی لیست ولی مطلب را بطور مطلق فرمودند بنده مجبورم توضیح بدهم اولاً قضات با سایر مأمورین تفاوت دارند آنها مقامشان محکمتر است چنانکه قانون تکلیف دیگری برای آنها تعیین کرده است اما راجع سایر مأمورین بنده هم معتقدم که بعنوان میزان پنی بی لیست یعنی در انتظار خدمت گذاشتن می تواند وزیر بعضی از اجزاء را تغییر و تبدیل دهد ولی از روی یک شرایطی عدم منتظرین خدمت هر وزارتخانه هم باید محدود باشد مثلاً اگر وزارتخانه صد نفر اعضاء دارد فقط باید صد نفر یا صدی چهار منتظر خدمت نگاهدارد وزارتخانه دو هزار نفر اجزا دارد فقط چهار نفر منتظر خدمت حق دارد نگاهدارد نه دوهزار نفر.

تائیداً اگر کسی را انتظار خدمت نگاهدارند دیگری را بجای او می گذارند باید شخص جدید کسی باشد که لیاقت آن کار را داشته باشد نه اینکه کسی که بیست سال مشغول خدمت است و سابقه خدمت دارد او را بردارند و یک نفر دیگر را از خارج بجای او بگذارند این حق را هیچ وزیری نباید داشته باشد را با آن کسی که منتظر خدمت است باید حقوق او را بدهند نه اینکه بگویند برو کرسی بپور اگر مقتضی شد و کاری پیدا شد به تدریج خواهیم کرد بنده طرفدار میزان دیس پنی بی لیست هستم منوط به شرایط تعیین و محدود نه بطور مطلق باری مفصل نمی خواهم عرض کنم و مختصراً می گویم اگر ما موفق به ترتیب و اجرای قانون استخدام شدیم موفق به تمام اصلاحات خواهیم شد زیرا هر کاری آلا و افزار مخصوصی لازم دارد آلات و افزار ماشینهای دولت مستخدمین دولت هستند و آن کسی که متصدی گرداندن ماشین است وزیر است به همین طور مستشاران خارجی که به مدد یک مدتی زحمت ادارات را تأسیس نمودند بالاخره ما باید بدانیم بزودی که آنها میروند خودمان باید اداره کنیم اگر چنانچه اصول صحیح اداری نداشته باشیم نمی توانیم اداره کنیم و تمام زحمات آنها بیهوده خواهد شد چنانچه چند شب قبل راجع بگمرك عرض کردم که اداره گمرك افراد

بسیار سال باشد نه بیشتر.

حاج شیخ اسدالله - بنده نسبت باین

ماده تصور نمیکنم هیچ مذاکره بشود زیرا خود آقای فهیم الملک فرمودند که این ماده هبث دولت برای اصلاح ادارات در نظر گرفته بنده هم تصدیق میکنم اگر چه فرمایشات آقای فهیم الملک تماماً صحیح و متین و منطقی و از روی یک اساس بود ولی يك قسمت از فرمایشاتشان راجع بطرز و ترتیب قانون استخدام بوده که باید از روی چه زمینه باشد البته در موقعی که لایحه استخدام به مجلس شورای ملی می آید مجلس نظریات خود را بیان خواهد کرد يك قسمت از فرمایشاتشان هم راجع بمعایب و تنقید بعضی از مأمورین و ترتیباتی که سابقاً معمول بوده و تصدیق از بعضی مأمورین بود این دولت در این ماده ازوم قانون استخدام را متذکر شده که بواسطه قانون استخدام رفع این معایب بشود و باید دولت را تقدیس کرد نسبت باین نظریه که اتخاذ کرده است و میخواهد يك قانون استخدامی وضع کند ادارات ما را بواسطه ببرد و بیش از این گمان نمیکنم لازم بنماید که باشد

فهیم الملک - بنده توضیحی دارم.
رئیس - بفرمائید

فهیم الملک - در ماده ۶۶ نوشته بود اصلاح قوانین قضائی آیاهیج محتاج بان نعلق مفصل آقای حاج شیخ اسدالله بود
رئیس - این توضیح نبود آقایان مذاکرات را کافی میدانند اغلب گفتند کافی است.
رئیس - مذاکره در ماده نهم است آقای آقا سید یعقوب. اجازه نطق
آقا سید یعقوب - گرچه این ماده نهم هنوز لوایحش بمجلس پیشنهاد نشده است ولیکن قبل از اینکه بمجلس پیشنهاد شود نظریات خود را نسبت باین ماده عرض میکنم. اولاً عقیده بنده باید دولت در نظر بگیرد که یکبار دیگری بردوش این ملت افزوده نشود یعنی يك عده دیگری را نیاروند و يك حقوق دیگری اضافه کنند در وزارتخانهها عده هستند که همیشه منتظر کارند و اکنون بیکارند در موقعی که می خواهند لوایح راجع بایشان را تهیه کنند باید در نظر بگیرند که بر بودجه افزوده نشوند تا باینکه ملت باشد که شوری در بار زمان قدیم نباشند حدود آن تعیین باشد با اندازه که از برای آنها یکمقام و مرتبه در موقعی که قرار داده برای بعضی مقامات حکومت ملی است نباشد والا رد خواهد شد زیرا اگر غیر از این باشد عمل نظر خواهد شد و در خواهد گریه همین بود نظریات بنده

رئیس - آقای فهیم الملک

فهیم الملک - راجع بشوری دولتی چون در مقدمه پروگرام اشاره شده است که باید نهی لوایح قانونی بکنند بنده باشوری دولتی کاملاً موافقم لیکن بیک وظیفه مهمتری دارد که آن مسئله معاکه اداری است کدر اینجا اشاره نشده است البته وقتی قانونی بمجلس می آید هنوز خواهد شد ولی می خواهم عرض بکنم چیزی که بیشتر اهمیت دارد معاکه اداری است معاکه که تظلمات راجع بقوانین اداری را باید رسیدگی و معاکه کند شوری دولتی است و انجمن های ایالتی و ولایتی که هیئت دولت راجع بانجمنهای ایالتی و ولایتی هیچ اشاره فرموده اند چون در معاکات اداری انجمنهای ایالتی و ولایتی در درجه اول شوری دولتی در درجه دوم واقع است این يك وسیله ایست مخصوصاً برای تذکر دادن باهالی ولایات در امور مملکتی در صورتیکه امروزه از هر کس بگذریم سایر جاها هیچ علامتی از مشروطیت ندارد و انجمن ایالتی و ولایتی ندارد و يك حکامی مانند ترتیبات سابق مشغول اداره کردن کار هستند و باید بزودی انجمن های ایالتی و ولایتی حتماً تشکیل شود (صحیح است) بنده مقصودم این نیست که يك اختیار زیادی بآنها داده شود مقصودم این است که قانون انجمن های ایالتی و ولایتی اگر لازم است تجدید نظر شود و هر چه زودتر انجمن های ایالتی و ولایتی تشکیل شوند که بوسیله انجمن های ایالتی و ولایتی شوری دولتی طرز معاکه اداری کامل شده شاید نتیجه گرفته شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در تأسیس انجمن های ایالتی و ولایتی نظریاتی صحیح باستقیم دور میزند بنده کاری باوندارم و البته باید انجمن های ایالتی و ولایتی

تأسیس شود ولی اگر انجمن های ایالتی و ولایتی هم نباشد تشکیل شوری دولتی لازم است برای اینکه يك وظیفه همده شوری دولتی تهیه لوایح قانونی است زیرا این قوانین که در مملکت وضع شده وقتی مراجعه کنیم می بینیم هیچکدام ارتباطی با یکدیگر ندارند این است که در موقیع اجراء دولت دچار مشکلات می شود برای اینکه يك اصل ثابتی در وضع قوانین در نظر گرفته نشده است قوانینی که حالا وضع می شود نباید مغالفت کند با قوانینیکه در آتی وضع می شود شوری دولتی باید مناسبات قوانین را بسنجد و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند برای اینکه قوانینی که از مجلس می گذرد باید در مملکت اجرا شود و باید با هم ارتباط داشته باشند و این روابط را باید شوری دولتی در نظر بگیرد که در تحت يك اصلی این قوانین با یکدیگر مربوط باشند این یکی از منافع شوری دولتی است اما راجع بمعاکات اداری انجمن های ایالتی و ولایتی که آقای فهیم الملک فرمودند خودشان باید تصدیق بفرمایند که شاید يك معاکات اداری هم در وزارتخانه تشکیل می شود منتهی مرحله استیفاش می رود بشوری دولتی و این يك چیز لازمی است که باید تأسیس شود و اما راجع بتوضیحی که فرمودند اگر اصغای عرایض بنده را فرموده بودید هیچوقت این فرمایشات را نمی فرمودند زیرا بنده عرض کردم نظریه دولت برای اصلاح عدلیه کم است فقط اصلاح قوانین برای عدلیه کافی نیست این بود که نظریات خودم را در آماده عرض کردم

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند گفته شد کافی است

رئیس - شور در مواد پروگرام باختتام رسید بحث در کلیات است آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بحث در کلیات است چون کل عین افراد است اما بحث در کلیات عین افراد نیست اتفاقاً در پروگرام دولت حاضر معاکات بعد استفاده شده و امیدارم نظریات آقایان و کلا را در این مواد دولت بدست آورده باشد و انشاءالله بزودی لوایح متفق بهر ماده را پیشنهاد مجلس کنند که زودتر بجزریان بیفتد در حقیقت در نظریات در تمام مواد معلوم شد الا اینکه بعقیده من يك چیزی مانده است که نه در پروگرام دولت اشاره بآن شده است و نه آقایان متذکر شده اند لذا بنده عرض می کنم تا انشاءالله - تعالی محل توجه شود دولت تمام امور را پیش بینی کرده اند مگر يك چیز را - چون بنده جزو يك عده اشخاص هستم که اسم خودشان را اصلاح خود گذاشته اند لذا این است که آن چیزیکه دولت پیش بینی نکرده عرض میکنم از جمله دولت ذکر نموده حقوق دولت یعنی بقایا را باید گرفت مالیات را باید گرفت و اگر بوقع شد و صورت پیدا کرد فلان کار را باید پیدا کرد تمام اینها را هم مجلس شورای ملی تصدیق کرد لیکن دولت بهیچوجه متذکر نشده که دیون دولت را هم باید داد همین قسمتی که دولت طلبهایش را میگیرد دیونش را هم باید بدهد تا اعتبار بخطر و مهر امضای دولت باقی بماند بعقیده من یکی از مطالب اساسی بالخصوص از گردن دولت برداشته شود و هم چنین ادعا

بدولت می شود این است که دولت باید هم مطالباتش را بگیرد هم می بایست دیونش را ادا کند هر کسی يك سندی در دستش است یا باطل همیشه میگوید از دولت طلبکارم سالهاست دیون خصوصی و دیون عمومی دولت را می شنیدیم عقیده من این است که دولت حاضر با مساعدت مجلس شورای ملی در این دوره باید اهتمام بفرمایند و دیون خصوصی و عمومی دولت را تأدیبه نمایند و این غائله را رفع کنند چه دیون عمومی که عبارت است از مستترها و شهریهها و چه دیون دیگری که گردن دولت را گرفته و دولت را برحمت انداخته است من عقیده ام این است که دولت باید اهتمام بفرمایند که این دین عمومی را بخصوص در این دوره رفع بکنند و چون دولت این مسئله را در پروگرام خود ذکر نکرده بود از این جهت بنده عرض کردم که آقایان نظریه اتخاذ نمایند و محل ادای این دیون عمومی هم بعقیده بنده فروش خالصجات این مملکت است دولت در پروگرامش نوشته که باید فکری برای مردم کرد و ثروت مملکت را زیاد نمود بنده عرض می کنم مملکت ما مملکت فلاحی است همه ما ممکن باید دقت نمود فلاح و زراعت را رواج داد يك قسمت از املاک این مملکت خالصجات است که در تمام این مملکت است و تمام هم خراب است هر که در مملکت ایران سیر کرده و بخالصجات برخورد کرده است چگونه خراب است و آن منافعی که باید از املاک عاید دولت و مردم بشود عرش هم امروز عاید نمیشود این نیست مگر بواسطه خرابی خالصجات عقیده من این است که اگر بخواهند زراعت در این مملکت اهمیت پیدا کند و اگر بخواهند مردمان بیکار يك قسمتشان مشغول کار شوند و دولت هم از این مخارج خالصجات و خرابی آن خلاص شود باید بصرف فروش برسانند و اگر آقای مصدق السلطنه تأمل بفرمایند خواهند دید خالصجات ایران تقریباً خرج و دخلش برابری نمیکند یا اگر میکنند بنده خبر ندارم يك قسمت را که بنده خبر دارم املاک است که در کاشان از ایفها گرفته اند در زمان خود آنها این املاک تعقیباً بیست و پنج هزار تومان عایدی داشت امسال هم آقای مصدق السلطنه تعقیب بفرمایند که از این املاک چه عاید دولت شده اگر با مخارج مأمورینشان مطابقه کرد خیلی ترقی کرد و اگر کسر آمد آنوقت تصدیق خواهند فرمود این است که عرض میکنم اگر بخواهند مبالغ ثروت را زیاد کنند و مملکت را آباد نمایند و اگر بخواهند مردمان بیکار يك قسمتشان بکار بیافتند باین املاک را بفروشند ما نمی گوئیم این املاک خالصه را مجانی بکسی بدهند خیر! عرض میکنم اگر خالصجات دولت را بخرانند بفروشند نه مثل خالصجات انتقالی هم مردم صاحب ثروت می شوند هم مملکت آباد می شود هم دولت منافع آنرا می برد لذا چون این مسئله در ضمن پروگرام مذاکره نشده عقیده من اینستکه باید دیون خصوصی و عمومی دولت را بهر طوری که صلاح میدانند بمجلس پیشنهاد کنند و تصفیه نمایند که دیگر این دیون عمومی بالخصوص از گردن دولت برداشته شود و هم چنین ادعا

دولت از حیث تأمین ارزاق طهران فراهم بشود بنده نمیگویم

های خصوصی را و محل آنها را از فروش خالصجات قرار دهند اگر چه بعقیده بنده زیادتر است و شاید در کرور یا بیست کرور بشود بهرحال ترتیبی بدهند که از فروش خالصجات این دیون اداء بشود که هم پولش از میان نرود و هم در سالی سه کرور مخارج و وظایف و مستمری و سایر دیون عمومی از مملکت حذف شود و زائدش را باین بانگ که جدیداً پیدا کرده ایم که اسم دارد و رسم ندارد و یکی از چیزهایی است که مملکت را روبه ترقی میبرد بگذارند که کمک بفرمایند این بانک شود البته برای انجام تعقیق و اشخاص با بصیرت لازم است که این بانک را اداره بکنند که انشاءالله از وسائل ترقیات مملکت و اسباب سعادت مملکت ما بشود و رفع احتیاجات مملکت ما را بنمایند زیاد بر این عرض ندارم.

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب - آقای مدرس راجع بمطالباتی که از دولت دارند صحبت فرمودند و همچنین راجع

بفروش خالصجات متأسفانه بنده با هر دو مخالفم.

رئیس - مطالبات خود شانرا فرمودند.

آقا سید یعقوب - بلی الحداد مطالبات

از هیچکس ندارد که دولت مجبور بادای آن باشد

مطالبات برود قسم است يك مطالباتی است که بتصویب

مجلس دوم و مجلس سوم رسیده و يك مطالباتی است

که از دوره فترت چنانکه بعضی ها اطلاع دارند پیدا شده است که هیئت وزراء می نداشتند و

تصویب نامه صادر میکردند بنده عقیده ندارم آنها تأدیبه

شود دیگر اینکه يك جائی که يك عایدی معین برای

دولت دارد که دولت میتواند توسط آنها از اذق شهر

را تأمین کنند میفرمایند بفروشد پولش را بصرف

دیگر برسانند و خدای نخواست شهرها را هم در

قحطی و مضیقه میاندازد بنده با این مسئله مخالفم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - این دو مطلب آقای

مدرس فرمودند بعقیده بنده هر دو اساسی است اول

راجع بدیون دولت است آقا سید یعقوب میفرمایند

دولت دیونی ندارد اگر دولت تصدیق نکند بده کار

است محل اختلاف نباید باشد و البته باید اعتبار

امضاء و مهر دولت محفوظ بماند و هر کس از دولت

طلب دارد باید داده شود تا مردم اعتبار کنند بدولت طرف داد دست بکشوند نه اینکه هر چه بگیرند ندهند و یا اینکه دولت از هر کس طلب دارد وصول کند و بهر کس مدیون است بدهد.

تقسیم اراضی بشود لکن می گویم دولت نباید ملاک باشد و باید املاک کشرا بفروشد.

رئیس - عرض کردم مذاکرات در کلیات است.

حاج شیخ اسدالله - عرض بنده همین عرض دیگری ندارم.

رئیس - هر وقت قانونش بمجلس آمد مطالب خود را اظهار فرمائید.

آقای سردار معظم (اجازه)

سر دار معظم - بنده در باب کلیات پروگرام درجین شور بدوی عقیده خود را اظهار کردم دیگر تکرار نمی کنم فقط برای آنکه در خانه بتوانم اظهار عقیده قطعی در پروگرام بکنم و رای دهم از هیئت دولت اوسؤال نخواستم بکنم که عقیده من این دو مطلب بیشتر از سایر مواد باید قابل توجه باشد بنده می خواستم از هیئت دولت سؤال کنم که آیا ممکن است در اینجا در خانه شور در پروگرام با بگویند آیا در تصمیم راجع باستفاده متخصصین فنی از خارج برای اصلاحات ادارات ما چه عقیده دارند و آیا این اقدام مهم و اولین قدم را در طریق اصلاحات دولت کی عازم است بردارد دومین چیزی که محتاج می دانم سؤال کنم و عملی تر از سایر چیزها می دانم بودجه است و تا وقتی که نظر ما از حیث بودجه مملکت تامین نشود ما هر چه در اطراف پروگرام صحبت کنیم متاسفانه بنظر بنده شبیه برام خواهد بود بنا بر این بنده این دو سؤال را از هیئت محترم دولت داشتم و اگر ممکن می شد بعد از ختم شدن مذاکرات جواب می فرمودند

خوبی متشکر و ممنون می شوم. موضوع دیگر اینکه همینطور که سابقاً هم گفته شده ممکن است پروگرام ناقص باشد یعنی بعضی از مطالب باشد که در پروگرام ذکر نشده باشد مثل فروش خالصجات که آقای مدرس فرمودند که ما هم با ایشان توافق نظر داریم منتهی از مصرف و تعیین محل خرج و غیره اختلاف نظری داریم که آیا بجه مصرف برسد بهتر است یا بصرف دیون عمومی برسد بهتر است یا برای یک تاسیسات مفید تری خرج شود ولی از نقطه نظر اینکه دولت ملک داشتن بدست ما هم موافقم این هم جمله معترضه است حالا خیلی متشکرم اگر از طرف دولت جوابی باین دو سؤال داده شود.

رئیس - آقای سلطان العلماء اجازه

سر دار معظم - بنده منتظر جواب هستم.

رئیس الوزراء - راجع بدو موضوعی که آقای سردار معظم کردند که یکی راجع بمتخصصین خارجی است در این خصوص دولت نظریات خود را حاضر کرد در نظر دارد با کمیسیون خارجه تعاطی افکار نموده بعد بمجلس شوری ملی پیشنهاد کند اما راجع بمسئله بودجه البته تصدیق می فرمائید تهیه بودجه عمومی باین سرعت میسر نیست بمجلس پیشنهاد شود ولی بودجه های وزارتخانه ها همین شده تحت تعرییر است

هیئت دولت اینطور مقتضی می داند که بودجه ها را همانطور که متدرجاً حاصل میشود بکمیسیون بودجه بفرستند و در کمیسیون مذاکرات بشود

رئیس - آقای سلطان العلماء اجازه

سلطان العلماء - نظریه من راجع بودجه بود حالا که فرمودند دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید فاضل - چون در ماده هفت بعضی نظریات جزئی دارم اگر تجدید نظری در قانون بنده بشود چون در آنخصوص مذاکراتی نشد

رئیس - حالا میخواهید مذاکره بفرمائید.

آقا سید فاضل - خیر میخواهم شور در کلیات را بگویم و در آن ضمن هم از یک امور جزئی که ممکن است در ضمن کلی بگویم

عرض کرده باشم که تجدید نظری در قانون بنده و وظائف بنده بایستی شود که بنده به یک ترتیب صحیحی اداره شود و حال الامکان باید مطابق عایدی و دارائی این ملک و ملت اداره شود به طوریکه آقدر وسیع و در عریض و طویل بگیریم که از هفتصد بر نیائیم و نه اینکه اصلاً فاقد باشیم باید یک حالت متوسطی در قانون بنده باشد. . . .

رئیس - مذاکرات در کلیات است

آقا سید فاضل - بلی خواستم یاد آوری کنم

و چون یکی راجع به بودجه و یکی هم در ماده چهارم راجع به جمع و خرج بنده چون جزء کمیسیون بودجه هستم همانطور که آقای سردار معظم فرمودند هر چه زودتر هیئت محترم دولت بودجه را بفرستند که

داخل در مطالعات بشویم و در مسئله ادای دیون دولتی مذاکره شد چون در دوره سوم خاطر هست در

وزارت مالیه آقای وثوق الدوله دو لایحه بمجلس پیشنهاد شد یکی راجع بفروش خالصجات انتقالی یکی هم راجع بفروش خالصجات غیر انتقالی من

چون عقیده ام این است که دولت نمیتواند از یک سرمایه صحیحی دست بردارد و از برای اینکه خرجی

ایجاد نکند مادرم که یک خرج ثابتی در قبال فروش خالصجات نشان ندهند بنده مخالفم و در باب شورای

دولتی هم کمال موافقت را دارم همانطور که در مقدمه پروگرام گفته شد که تاسیس شورای دولتی برای

کمک بقوه اجرائیه در تهیه لایحه قانونی است خیلی خوب است لکن تقاضا میکنم در وضع قانون کدر

این موضوع پیشنهاد خواهند کرد شروطی را برای تشکیلات آن مأخوذ بدارند که طرفداری و علاقته

مندی اعضاء آن بحکومت ملی صریح باشد والا اگر در قانون یک موادی وضع شود که اعضاء آن اهم

از ملی و غیر ملی باشند بنده مخالفم و در موقع خود عرض خواهم کرد و چون یک مطلب کلی باید در تحت عنوان شور کلی باشد لذا عرض می کنم از آقای

رئیس الوزراء که کمال اطمینان را بشخص ایشان دارم و اظهار اعتماد السلطنه نمودم خواهش می کنم که

در سایر قضایای دیگر این پروگرام هم که بعضی از آقایان نمایندگان خیال کرده اند مرام است و بنظر

بنده از هر جهت و هر حیث جامع و متین است اقدامات لازمه برای عملی نمودن آن بمنصه ظهور برسانند تا

بدانند که مردم نبوده بلکه مالکیت و قطعاتی است که میتوان بدان عمل کرد و شخص آقای قوام اسلطنه

چنین قدرت و قوتی دارند که با مساعدت مجلس شورای ملی آنرا بوضع اجراء گذارند

رئیس - جناب عالی کلی را بمحض منطبق گرفته و مقصود از کلیات اساسی است که این مواد از روی

آن اتخاذ شده است دیگر کسی اجازه نخواست است گفته شد مذاکرات کافی است

رئیس - رأی می گیریم به راپورت هیئت محترم دولت آقایانیکه پروگرام هیئت دولت را تصویب

می کنند قیام فرمائید اکثر نمایندگان قیام نمودند.

رئیس - تصویب شد شروع می کنم بمذاکره قانونی که راجع بتشکیلات مسالیه پیشنهاد شده است.

آقای تدین ماده واحده را بمضمون ذیل قرائت نمودند.

قوانین - راجع بادارات وزارت مالیه از تاریخ تصویب این قانون تا مدت سه ماه موقوف الاجری شده

وزیر مالیه مجاز است که ادارات مربوطه بآن قوانین را منحل کرده و اداراتی را که صلاح می داند

تشکیل و قوانین مربوط بآن ادارات را که باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید بطور نظامنامه برای تجربه

و آزمایش دو ادارات وزارت مالیه بجز این انداخته و بعد از تجدید نظر آنها را بصورت لایحه قانونی بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

- در این باب مخالفی نیست ؟

سلیمان میرزا - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - آقایان فراموش فرموده اند

که آقای وزیر مالیه دو لایحه پیشنهاد فرموده بودند یکی در تحت چند ماده راجع بتشکیل دو کمیسیون

یکی برای نظارت در جمع و دیگری برای نظارت در خرج و یکی هم یک ماده واحده پیشنهاد فرموده بودند

که آن ماده واحده تغییر کلیه لایحه قانونی را شامل بوده بمذاکره اینکه بکمیسیون رجوع فرمودند با وجود

اینکه نظر خودشان این بوده که لایحه اولی خیلی مهم است و ضمناً فوریت آن را هم تقاضا کرده بودند

که باید فوریت یک کمیسیون برای نظارت جمع و یکی برای نظارت خرج برقرار شود بآن ترتیباتی

که در لایحه مرقوم فرموده بودند و مجلس هم فوریت آن رأی داد کمیسیون آنرا قبول نکرده و حذف

فرموده و بعبارت آخری میتوان گفت چون خود آقای وزیر مالیه بانظر کمیسیون موافقت فرموده اند

آنها را مسترد داشته اند و در عرض آن دو لایحه این ماده واحده را پیشنهاد فرموده اند و حالا مادر حقیقت

داریم این ماده را بجای آن دو لایحه که فوریت یکی از آنها هم رای داده ایم تحت بحث در آورده و

مشغول شور می شویم. امور مالیه که یگانه وظیفه خصوصی و کلاه نمایندگان ملت است و هر اقدامی

قانون تشکیلات و سایر قوانین بعد از ترتیب و زحمات و مصارف فوق العاده تربیتی معین کرده اند بسایه

آقایان در نظر داشته باشند که برای هر ماده قانونی چقدر ملت مصارف فوق العاده می کنند و پول میدهد

در دوره سوم یک لایحه قانونی بسیار خوبی شاید خیلی موافقی هم داشته باشد اما آن روز خیلی بود

از مجلس گذشت و امروز با چند کلمه یعنی با یک ماده آن قوانین را بکلی لغو کنیم و یک چیزی

که تا امروز هیچ پیش بینی نشده و سابقه ندارد می خواهم سابقه بدهم یعنی یک قانونی را که مجلس

تصویب کرده است می خواهم تا یک مدتی موقوف الاجرا گذاریم در حالیکه بنده معنی آنرا نمی فهمم اگر این

قانون را مفید میدانند و میخواهند باین کلمه لغو کنند بفرمائید بفلان و کبیل فلان ماده فلان عیب را دارد و باید

لغو شود و کلای ملت هم وقتی غور کردند و دلالتی در طرفین گفته شد اگر تصدیق کردند آن قانون برداشته

شود برداشته میشود و قاعدتاً یک قانون دیگری جای آن گذاشته میشود ولی اینک باینکه ماده داریم قانون

تشکیلات را خراب میکنیم در حالی که برای این تشکیلات چه زحماتی کشیده شده چندی قبل برای مالیه یک

مستشار فرانسوی آوردیم مسیونیر و یک مطالعاتی کرد برای تمام شعب مالیه اهم از گمرک و خزانه و سایر

ادارات دیگر مأمورینی آوردیم و هر کدام ترتیباتی دادند مستشارهای آمریکائی را آوردیم آنها هم یک

ترتیبات دیگری دادند بالنتیجه در آخر هر یک قانون تشکیلاتی از مجلس گذشت و بعد از اینکه تقریباً شش

هفت سال آن قانون تشکیلات بمجلس آمده لافیل مناسب بود امشب که آقای وزیر مالیه می خواهند این

ماده را پیشنهاد بفرمائید یاد فرماده این ماده در جواب بنده می فرمودند که قانون تشکیلات فلان عیب و ضرر را

دارد و بانظریاتی که من دادم این قانون در موقع عمل موادش باینکه دیگر متناسب نبوده و باین مناسبت اینطور

صلاح دانستم باینگونه بعضی از مواد او مبهم بوده و در موقع عمل ندانستم تکلیفمان چه چیز است حالا

تقریباً از ماده پنج تا ماده ده او را باین دلیل باین دلیل غیر عملی میدانم و بعد بفلان ماده میکنم ما فعلاً اگر

این ماده را تصدیق کنیم مالیه و روح مملکت خود را که خیلی ضعیف است مجهول التکلیف گذاریم و

بهدم و سوائی که در مملکت حکم فرماست و به تجربه رسیده هیچ دولت قادر و توانائی هیچگاه نمیتواند

در ظرف ۳ ماه اداره مالیه را تغییر وضع دهد و اصلاح کند این ماده اگر بگذرد وزیر مالیه دارای اختیار

تامی میشود و شاید چنانکه فرموده اند مایک نظامنامه یا یک ابلاغ تمام تشکیلات قدیم را لغو و ادارات جدید

التاسیس برای تجربه و آزمایش تاسیس کنند آنوقت بعد از ۳ ماه می آیند و یک راپورتی بماندهند و بگویند

تجربه کرده ایم خوب نشد و طرز اول بهتر بود در این صورت تصور فرمائید چقدر مرجع و مرجع در وزارت مالیه تولید خواهد شد مثلاً شاید بامورین سابق دستورهائی

خسارت مترجه مامیشود چنانچه آیا کسی میدانند در کابینه آقای سید ضیاءالدین آن مالیاتهای سنگینی که

بدوش مردم گذاردند و در همه جا از همه کس گرفتند چه شده آیا آنچه گرفته اند بحساب دولت آمده است

یا نه؟ یا شاید معلوم باشد بنده نمیدانم از طرف دیگر همانطور که آقای سردار معظم فرمودند ما میخواهیم

بفوریت مستشاران و متخصصین و اشخاص عالم را برای اصلاح مالیه دعوت کنیم بنده میگویم ممکن است

اداراتی که فعلاً داریم نواقص داشته باشد که اگر حالا یک ترتیب جدیدی اتخاذ کنیم پنج شش ماه دیگر که

مستشاران خارجی خواهند آمد ممکن است آنها مجدداً یک پیشنهاداتی بنمایند و این اساسی را که ما برای

امتناع و آزمایش ترتیب داده بودیم بهم نزنند و آنوقت در نتیجه معلوم بشود که باید اساس اولی را قبول کرد یا

ترتیب حالیه یا اساس سابق را آنوقت با ترتیبات و مقتضیات امروزه ملاحظه فرمائید خسارت وارده چقدر

خواهد بود پس بنده بهتر میدانم که بجای این ماده مبهم که هیچ تکلیف قطعی برای ادارات مالیه تامین نمیکند

شاید بنده بد تفسیر میکنم آقای وزیر مالیه بعد خودشان تفسیر خواهند فرمود آقای مخبر هم کادر کمیسیون

برده اند بعد توضیح خواهند داد بنده این ماده را اینطور تفسیر میکنم که آقای وزیر مالیه یک اختیارات مطلق

می خواهند بنده عقیده ام این است که نظریه وزیر مالیه در باره تشکیلات وزارت مالیه این است که

بدواً تشکیلاتی در وزارت مالیه بدهند هر چند در اینجا از تشکیلات چیزی نوشته نشده است و ماده راهم آقایان

دیدند و بکفتم بنده می خوانم اگر درست ملاحظه فرمائید خواهند دید که اختیاراتی که ایشان می خواهند

بگیرند به عقیده بنده همانطور که عرض کردم اختیارات مطلقه می توان نام نهاد یعنی تشکیلات مالیه را خواهند

تغییر و تبدیل دهند و ادارات جدید التاسیس تشکیل کنند در حالی هر قدر ادارات جدید التاسیس بر آن

ادارات افزوده شود باز هم همان معایب اولیه را خواهد داشت در صورتیکه عبارت ماده اهم از اینست که بنده عرض

می کنم این است عبارت این ماده وزارت مالیه کلیه لایحه قانونی را که باید بمجلس پیشنهاد نماید بطور

نظامنامه تا یک مدتی موقوف است تجربه و آزمایش آنها لازم است در ادارات جدید التاسیس خود بجز این

انداخته و بعد از تجدید نظر آنها را بصورت لایحه قانونی بمجلس شورای ملی تقدیم می نماید.

سر دار معظم - این ماده است که از طرف وزیر مالیه پیشنهاد شده ماده واحده کمیسیون را قرائت فرمائید.

سلیمان میرزا - پس آن راپورت به بنده نرسیده.

راپورت کمیسیون را آقای سردار معظم بایشان تسلیم نمودند

سلیمان میرزا - این است راپورت کمیسیون که بنده ندیدم بودم قوانین راجع به تشکیل ادارات وزارت مالیه از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ۳ ماه

موقوف الاجراء شده و وزیر مالیه مجاز است که ادارات مربوط بآن قوانین را منحل کند و اداراتی که صلاح می داند تشکیل و قوانین مربوط بآن ادارات را که

باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید بطور نظامنامه بمعرض تجربه و آزمایش در ادارات وزارت مالیه بجز این

انداخته و بعد از تجدید نظر آنها را بصورت لایحه قانونی بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. اگر در

راپورت کمیسیون تصویب شده این است وزیر مالیه دارای یک اختیارات مطلقه خواهد بود که در ظرف

سه ماه برای تجربه و اطلاعات خود تشکیلات مالیه را بهر طور که می خواهد صلاح می داند تغییر دهد بملاوه

در ذیل ماده نوشته شده است قوانین مربوط بآن ادارات را باید بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید البته قوانین

مربوط بآن ادارات یکی اداره جمع است یکی اداره خرج است و غیره و غیره و بالاخره این جمله تمام قوانین

را شامل است و آنوقت می خوانند تازه آن قوانین را در ادارات مجری بدارند اگر مقصود این است که

آقای وزیر برای اجرای نظریات خود می خواهند قوانینی را که از مجلس می گذارند برای آنها یک نظام

نامه بنویسد و قوانین را بر طبق آن نظامنامه در وزارت خانه خودشان اجرا کنند این حق راهم کس هر روزی

دارد محتاج بگرم این حق نیست و اگر مقصود وضع قانون است این از وظائف مجلس شورای ملی است و اگر

این ماده باین ترتیب تصویب شود مثل این است که مادر مدت سه ماه حق خودمان را که قانون گذاری است به

آقای وزیر مالیه منتقل کنیم بنده که این حق را در خود نمی بینم که قانون گذاری را بدیگری غیر از مجلس واگذار

کنم سایر آقایان اگر صلاح می دانند حق خودشان را واگذار کنند معتارند بنده که در مدت سه ماه راجع

بوضع قوانین مربوط بادارات وزارت مالیه حق خود را واگذار نمیکنم اینکه عرض میکنم حق خود را چون هر یک از ما و کلاه می توانیم بگیریم حق داریم و

و هر یازده نفر از ما می توانیم یک لایحه را بطور طرح قانونی پیشنهاد کنیم و به کمیسیون مبتکرات بروم و

در آنجا موضوع یک قانونی بشود آیا در مدت این سه ماه آقای وزیر مالیه این حق را میخواهند از ما بگیرند

بعضی از نمایندگان گفته خیر؟ باز هم تکرار میکنم که در این مدت ما هم که می خواهیم این حق را بآقای وزیر

مالیه بدهیم آنوقت آن حقوق قانونی که راجع بامور مالیه بشما واگذار شده تکلیف چیست؟

و اگر آقای وزیر می خواهند تجربه بفرمائید ممکن بود قبلاً این نظریه را اتخاذ کنند و بطور توضیح در اینجا

بفرمائید که من خیال دارم وزارت مالیه را بچندین قسم تغییر و تبدیل دهم زیرا وضع قانون مطلب معرمانه و

خصوصی نخواهد بود و اگر ما بالفرض لازم بود بطور خصوصی بکلا گفته شود باز ممکن بود در مجلس

خصوصی اظهار کنند و الا بعد از گذشتن پروگرام هیئت دولت اختیارات مطلق بآقای وزیر مالیه بنده

هیچ مانعی نمی بینم که سایر آقایان وزراء هم در تحت همین عنوان فردا یک اختیارات کاملی از ما بخواهند مثلاً

آقای وزیر عدلیه از همه زودتر همین اختیارات را تقاضا کند چون اصلاح قوانین قضائی لازم است و ممکن است در تحت یک ماده واحده برای اصلاحات عدلیه اختیار بخواهند و همینطور سایر وزراء هم یکی یکی این اختیارات را بخواهند و اصلاً ممکن است آقایان وزراء

ما و کلاهما راحت کنند باین معنی که بهفت ماده رأی

زائد وقت بود وضع نمود که بهیچ وجه من الوجوه با مقتضیات اداری درست در نمی آمد بنده مهمترین دلیلی که می توانم عرض کنم برای اینکه این قانون عملی نبود همان عدم اجرای آقا قانون است شاهزاده سلیمان میرزا تصور می فرمودند یک چیزهایی داشته اند که حالا کم میکنند غیر اینطور نیست این قانون در وزارت مالیه اجرا نشده از جمله یکی از چیزهایی که آقا قانون و کلاه در دوره سوم آرزومند بودند و انتظار داشتند این بود که تأسیس کمیسیون تطبیق حوالجات در واقع ناظر و تقطیع وزارت مالیه خواهد بود و می گفتند این کمیسیون اول باید حوالجات را امضاء کنند و اگر تصدیق کرد وزیر امضاء کند و در صورتیکه کمیسیون تطبیق تصدیق نکرد وزیر حق ندارد امضاء کند و در واقع کمیسیون مزبور باید بروزی نظارت داشته باشد خوب است شاهزاده سلیمان میرزا در وزارت مالیه تشریف ببرند و ببینند از صد حواله که تا بحال از وزارت مالیه گذشته ده فقره از آنها را کمیسیون تطبیق حوالجات تصدیق کرده بانه تصدیقات این کمیسیون تا بحال منحصر باوراق شهریه بوده که نه یکدینار میشود کرد و نه نسبت بآنها تعقیب می شود کرد نه زیاد می شود کرد نه کم و یک رئیس شعبه هم مستمریات را میتواند خودش بهسئولیت خودش بر دم بدهد زیرا مستمریات و شهریه دروزارت مالیه مدرک دارد مدرک مستمریات کتاب وظائف است که مجلس تصویب کرده و شهریه را هم وزارت تصویب کرده اند کار کمیسیون تطبیق حوالجات که یکی از اصول قانون تشکیلات است بکلی بلااجرا مانده است این مسئله را هم میتواند بخوبی تحقیق فرمایند و اما اینکه میفرمایند در ظرف این سه ماه امور مالیه بلامتکلیف خواهد ماند عرض میکنم در مالیه حالا هیچ قانونی حکمفرما نیست که بعد بلامتکلیف بماند یا نماند ممکن است آقا قانون و کلاه که بر حسب قانون اساسی ناظر مالیه هستند یک روزی بوزارت مالیه تشریف آورده و تحقیقات فرمائید و خود شاهزاده هم ممکن است تشریف بیاورند و ببینند این قانون از کجا اجرا شده که دیگر نفرمایند یک خط و خطائی نسبت به مصالح مملکتی می شود بنابراین مذاکراتی که فرمودند بنده یک چیزهای صوری میدانم که دور از حقیقت است باید حقیقت را گفت این قانون در وزارت مالیه اجرا نمیشود این یک قانونی نیست که عملی باشد و یک وزیری بتواند بموجب آن قانون ادارات خود را اداره کنند اما نظریه خود بنده همانطور که شاهزاده فرمودند عقیده به نسخ قانون نداشتم و عقیده ام این بود که بدو باید یک چیزی تهیه کرد آنوقت این قانون را برداشت و تا چیزی بجای او نگذارند این نسخ آن غلط است این عقیده خود بنده است و نخواسته ام سکنه بقانون وارد آورده باشم باین واسطه آن دولایحه را پیشنهاد کردم که خود مجلس آنرا موقوف الاجراء بگذارد بکمیسیون قوانین مالیه هم که مراجعه شد پس از آنکه کرات زیاد این ماده پیشنهاد شد معلوم می شود این قانون عملی نیست نظر بنده بکسب است این بود که از طرف مجلس اجازه داده شود

بدهیم و در ظرف ۳ ماه یا ۷ ماه قانونگذاری را واگذار کنیم بآقایان وزراء و راحت شویم و بگوئیم بعنوان نظامنامه داخلی قوانین را نوشته و در وزارتخانه های خود بموقع عمل گذارند برای آنکه می خواهند تجربه و آزمایش فرمایند ما هم دو سه جلسه حرف میزنیم مثلا آقای وزیر عدلیه هم همین تجربه را میفرمایند بفرمایند و عبارات آخری هفت ماده پیشنهاد کنند و ما را با هفت هشت ماه مرخص فرمایند ما هم دو سه جلسه حرف میزنیم و هفت ماده را تصویب می کنیم میرویم و بعد از سه ماه تشریف می شویم که ببینیم نظریات دولت چیست البته آنوقت اسوایح قانونی را پیشنهاد کنند دیگر نه و کلاونه خود آقایان وزراء تا ساعت چهار از شب گذشته معطل نخواهند شد بنده در حال رأی دادن باین ماده واحده را مخالفم و او را برضد این مملکت و برضد مالیه این مملکت میدانم و بطور خلاصه عرض می کنم که اگر امروز این رأی را بدهیم بعد از چند روز دیگر خواهیم دید انشاء الله اگر موفق بخواستن مستشارها و متخصصین فنی شدیم آنوقت آنها پس از آمدن این ماده را لغو کرده پیشنهاد دیگری بجای آن خواهند نمود یا خود آقای وزیر مالیه میفرمایند من تجربه ام را کردم و قانون دیگری پیشنهاد میکنم یا بعد از سه ماه دیگر ممکن است خود ایشان لطفاً بفرمایند ترتیب اول این بود و این لایحه سکنه بمالیه وارد آورد بنده چون ایشان را در امور مالیه با تجربه میدانم این است که عرض میکنم بهترین بود لطفاً در وقت صرف می فرمودند و اصلاحاتی را که می خواستند بفرمایند بترتیب یک لایحه قانون بجمعی پیشنهاد می کردند ما می دیدیم و با نهایت اطمینان و اعتماد آن لوائح را تصدیق میکردیم و به موقع عمل می گذاردیم بنده این ترتیب را بهتر می دانستم تا این ماده مهم را که ممکن است هزار قسم سوء تفاهات در آن پیدا شده و بعد در عمل ببینیم خسارت زیادی باین مالیه که عیلقی کسر داریم و همه فریاد میزنیم وارد آید

وزیر مالیه - بنده اولاً عرض میکنم نه مدافع آن لایحه که خود پیشنهاد کرده ام هستم و نه مدافع این ماده که از کمیسیون بجمعی پیشنهاد شده است فقط مقصود توضیحاتی است که در این ماده با نظریاتی که خود داشتم عرض کنم فرمایشاتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مثل این بود که عجلاناً چیزی دارند آنرا از دست می دهند در صورتیکه اگر از وقایع مالیه و ترتیب کار مطلع بود و سابقه داشتند هرگز این فرمایشات را نمی فرمودند یک قانون تشکیلاتی در پنج سال یا بیشتر که درست حالا نظرم نیست از این مجلس گذشت قانون تشکیلاتی که عملی نبود یعنی بالآخره قانونی بود که زائد وقت بود چون در آنوقت یک خزانه داری بود با یک اقتدارات و اختیارات تامه و مطلقه که افکار مردم در آنوقت برضد آن خزانه داری بلژیکی بود مجلس برای اینکه می خواست آن ترتیب را تغییر دهد و یک قانونی با مقتضیات اداری آنوقت بنویسد و هم در نظر داشت که قانون ۲۳ جوزا را لغو و یک تشکیلات دیگری بدهد آقا قانون موادی که کنستانتین

تصویب شد ده روز طول خواهد کشید و بودجه مرکزی و تشکیلات جدید وزارت مالیه که غیر از این تشکیلات خواهد بود بجمعی خواهد آمد اما راجع بوظائف این ادارات خود شاهزاده اگر درست توجه میفرمودند نمی فرمودند که بنده امروز یک چیزی که بنظر میرسد فوراً بیاورم بجمعی و پیشنهاد کنم آنوقت غیر عملی تر از این قانون باشد خیر بنده مقصود اینطور نیست و مقصود این بود که بعد از اینکه تشکیلات وزارت مالیه معین شده و یک نظامنامه تهیه کنند و این نظامنامه را یک ماه یا چهار روز یا پنج ماه روز بجزایان انداختند و روابط ادارات بایک دیگر و تکلیف کار و وظائفشان بموجب نظامنامه معلوم شد و روسای ادارات معایب اداره متبوعه خود را فرمایند بوزیر پیشنهاد نموده وزیر هم تجدید نظری در آن نمود آنوقت آن نظامنامه بصورت لوائح قانونی بجمعی پیشنهاد شود که ضمناً صلاحیت این ادارات معلوم گردد و از روی فرصت و مطالعه و تجربه و آزمایش قوانینی که متناسب بآن تشکیلات باشد تهیه و بجمعی پیشنهاد شود که مشکلاتی پیش نیاید مثلا دیگری که در کمیسیون مذاکره شد این بود که دولت در نظر دارد متخصصین برای مالیه بیآورد و البته همین طور که آقای رئیس الوزراء فرمودند بعد از آنکه کمیسیون خارج موافقت خود و اظهار کرد آنوقت از طرف دولت اقدام خواهد شد ولی انکار نباید کرد که اولاً آمدن آنها بضرورت ضرورت نمی گیرد و اگر همین امروز نخواهیم مبادرت باین امر کنیم باز آمدن آنها پنج شش ماه وقت لازم دارد و در کمیسیون هم همین مذاکره شد که آیا صلاح هست تا آمدن آنها ادارات وزارت مالیه را به همین حال باقی بگذاریم تا آمدن کمیسیون متخصصین بیایند یا خیر؟ ولی بالآخره برای اینکه اعتراف نکرده باشیم خودمان هیچ نمی توانیم کار کنیم و حتماً باید بر این اصلاحات دوا فرودمان مستشار از خارجه جلب کنیم گفته شد شاید صلاح در این باشد که این ماده زود بگذرد و کارها را تا اندازه روبراه بکنیم تا فردا که متخصصین را آوردیم ادارات را بحال خرابی امروزه بآنها تحویل نداده باشیم و بآنها بگوئیم صورت کار این است بعد از این باید از معلومات شما استفاده کنیم و عقیده بنده هم این است که مستشار نباید بسمت معلمی استخدام شود چنانکه آقای مدرس فرمودند زیرا معلم باید در مدرسه تدریس کند و مستشار باید ادارات را مرتب بکنند و همانطور که ایرانی در تحت نظر و امر یک وزیر کار میکنند آنها هم بایک اقتدراتی باید کار کرد و اختیاراتی داشته باشند که هم بتوان کار ها را بحسن جریان انداخت و هم زیر دست خودشان یک اشخاص لایق تربیت کنند که شاید با هم در آتیه

یک اشخاص داشته باشم که بتوانند بجای آنها کار کرد و مالیه ما را از صورت امروزه بهتر و عملی تر نموده و یک اداره صحیحی برای ما تشکیل دهند این بود عریض بنده که عرض کردم و چنانچه عرض کردم نظر ندارم باینکه دفاع از لایحه خود بکنم و اذعان از لایحه کمیسیون کرده باشم فقط حقیقت را بگویم حالا آقایان مختارند هر طور بخواهند رفتار کنند و البته هر قسم رأی مجلس باشد رفتار خواهند کرد

رئیس - اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس شود

(در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج شده پس از نیم ساعت) مجدداً مجلس در تحت ریاست آقای سردار معظم نایب رئیس تشکیل گردید

نایب رئیس - اگر آقایان تصدیق فرمایند شروع میکنم بشور در ماده واحده آقای آقا سید یعقوب موافقت یا مخالف

آقا سید یعقوب - بلی بنده موافقم

نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل اجازه

آقا سید فاضل - بنده هم عجلاناً موافقم تا بعد به بینم چه شود

نایب رئیس - این نکته را باید قبلاً عرض کنم چون مخبر کمیسیون قوانین مالیه بنده خودم بوده ام و نظر به کسالتی که برای آقای رئیس عارض شده معظم له انعقاد جلسه را بعهده بنده محول فرمودند از آقای فقیه الملک که مخبر کمیسیون هستند قبول فرمودند بجای بنده از نظر کمیسیون دفاع فرمایند

آقا شیخ الاسلام (اجازه نطق)

آقا شیخ الاسلام - مجالس نامرضی ندارم

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه نطق)

سلطان العلماء - بنده موافقم

نایب رئیس - آقای مستشار السلطنه اجازه نطق

مستشار السلطنه - بنده بعد از مدافعه آقای مخبر عرض خواهم کرد

نایب رئیس - آقای شیخ العرافین زاده (گفته شد تشریف ندارند)

نایب رئیس - آقای تدین اجازه

تدین - بنده با ماده واحده که از کمیسیون گذشته و در مدت سه ماه اختیارات مطلقه بوزارت مالیه داده است مخالفم

اولاً عرض می کنم جریان این لایحه قانونی و ترتیب ورود در مذاکره اش و اصل تدوین آن صریحاً برخلاف یک قسمت از نظامنامه داخلی است در ماده ۴۳ و ۷۵

نظامنامه داخلی که راجع است بترتیب در خود لوائح قانونی از طرف وزراء بجمعی مطرح قانونی که از طرف و کلاه تهیه می شود در این دو ماده تصریح شده است اهم از اینکه آن لایحه قانونی فوری باشد یعنی تقاضای فوریتش بشود و مجلس تصویب میکند یا اینکه فوری نباشد باید متضمن یک مقدمه باشد که آن مقدمه دارای علل و دلایل ایجاب آن لایحه باشد در این دو لایحه که از طرف وزیر مالیه تقدیم مجلس شده است همه مقدمه نیست و لازم بود یک مقدمه از طرف وزیر مالیه نوشته شده باشد و در آن مقدمه علل و وجوهی که باعث پیشنهاد این لایحه شده است تصریح شود تا اینکه هم آقایان نمایندگان هم کلیه افراد ملت ایران از طایفه که باعث این تغییر اساسی می شوند مسبوق گردند و در این مجلس معدومی هستند که از اوضاع مالیه اطلاع خاص دارند آنها هم با واسطه این است که مباشر بوده اند و با وزارت مالیه سروکار داشته اند ولی یک قسمت دیگر از آقایان از جریانات داخلی وزارت مالیه از نقطه نظر جریانات قانون اطلاعاتی ندارند و لازم بود آن اولاً نوشته شود ولی با وجود اینکه این اولاً نوشته نشده بود در مجلس بجریان افتاد و اگر مجلس این لایحه را با وجود مخالفت با نظامنامه تصویب کند و بعمل عمل گذارده شود ممکن است باعث این شود که در آتیه نیز لوائحی بدون ذکر مقدمه بجمعی می آید تا بنای بنده سؤال می کنم که این قانون تشکیلات مالیه که از مجلس گذشته است آیا بموقع اجرا گذاشته شده یا خیر؟ اگر بموقع اجرا گذارده نشده پس از کجا معایب و مفاسدی که باعث موقوف الاجراء بودن اومی شود تشخیص داده شده و اگر بموقع اجرا گذارده شده است خوب است آن موادیرا که در عمل سبب اشکال شده و بسرعت جریان اداری برمی خورد آنها را وزیر مالیه در نظر گرفته بجمعی پیشنهاد می نماید تا مجلس هم آنرا در اصلاح نموده یا اینکه مواد دیگری قائم مقام آن قرار دهد چون آقای وزیر مالیه در ضمن بیانشان در مقام مدافعه فرمودند قوانین مجلس اجراء نشده این اجراء نشدن ممکن است از نقطه نظر سیاست قانون باشد و ممکن است بواسطه جهات دیگر باشد اگر از جهات دیگر باشد تقصیر با قانون نیست و بنده عرض می کنم اجراء نشدن یک قسمت یا تمام قسمتهای قوانین مالیه برای این بوده است که وزرای وقت نخواستند این قوانین را بجریان اندازند مثلاً یکی از وظائف خزانه داری این است که راجع بامانای مالیه ابالات و ولایات باید پیشنهاداتی بوزیر مالیه بنماید و او تصدیق کند آیا در این مدت اینطور بود یا اینکه از یک مقامی که بالاتر از خزانه داری بوده است یا دستور داده شده است که فلا شخص را امین مالیه فلا شخص بنماید همچنین است اداره تشخیص عایدات آیا توانسته است در محیط وظائف خود بر طبق مواد قانونی نفوذی

پیدا کند غیر؛ البته آقایان تصدیق میکنند که یکی از علل عدم اجرای قوانین مجلس تصدیق شده است که از مقامات عالی شده بطوریکه اساس ادارات و دوائر را در اجرای مقاصدشان مختار نگذاشته اند بنا بر این نمی‌تواند قوانین عالی را کاملاً ناقص دانست و بنده تصور می‌کنم اگر چنانچه از این تاریخ بیدم مطابق هم قوانین موضوعه یک اقداماتی بشود که هر رئیس بوظائف خود رفتار نموده و از مقام وزارت دخالتی در وظائف او نشود البته اشکالات کمتر خواهد شد و موجبات الغاء قانون پیدا نخواهد شد تا آنجا که وقتی در خود این ماده واحده وقت کنیم ملاحظه خواهیم کرد که چند مسئله استنباط می‌شود اولاً آنکه این ماده واحده شامل همان ماده اولی است منتهی با یک اضافات و اختیارات غیر محدودی لایحه اولی یعنی برای این بود که وزارت مالیه حق خواهد داشت دو کمیسیون تشکیل دهد و در اینجا بطور کلی یک اختیاراتی داده شده است که ممکن است عوض دو کمیسیون هشت یا ده کمیسیون تشکیل دهد و هیچ مانعی نخواهد بود و فقط فرقی که دارد این است که در لایحه اول مجلس بصراحت دو کمیسیون را تصدیق میکرد ولی اگر این ماده را تصدیق نماید ضمناً چندین کمیسیون را تصدیق کرده است تا آنجا عبارات این ماده با هم متناقض است زیرا در اول می‌گوید قوانین داجع بشکلیات وزارت مالیه از تاریخ تصویب این لایحه تا مدت سه ماه موقوف الاجری است یعنی ملغی نیست ولی بوقوع اجرا گذارده نمی‌شود در تانی می‌نویسد وزیر مالیه حق دارد یک ادارات جدیدی تأسیس کرده و قوانین مربوط بآنها را بطور نظام‌نامه اجرا نمود و پس از تجربه و آزمایش بصورت لوائح قانونی مجلس پیشنهاد کند این عبارتی که می‌گوید وزیر مالیه حق دارد قوانین مربوط با ادارات را الغاء کرده است اول گفته می‌شود موقوف الاجری است بعد که این حق را باو میدهم قوانین فعلی ملغی خواهد شد. مطلب دیگر اینکه در عبارات بعد هیچ قرینه موجود نیست و مدت آزمایش و تجربه برای تهیه لوائح قانونی معلوم نیست بهمان سه ماه محدود باشد اگر مقصود این است که این عملیات فقط در مدت سه ماه باید باشد حتماً جای یک کلمه باقی بود زیرا اگر آقایان وقت بفرمایند از سابق عبارات اینطور فهمیده می‌شود که مدت آزمایش مربوط بآن سه ماه موقوف الاجری بودن قانون تشکیلات مالیه نیست بنا بر این بنده نمی‌توانم عقیده مند شوم باینکه قوانین فعلی وزارت مالیه لغو و یک اختیارات غیر محدودی بوزارت مالیه داده شود عقیده شخصی بنده این است که خوب بود وزارت مالیه تشکیلاتی را که در نظر گرفته که چه شکل آن وزارتخانه را با ادارات و دوائر و شعب تقسیم کند پیشنهاد میکردند و ما هم آنها را با تشکیلاتی که سابقاً قانون در نظر گرفته مقایسه

می‌نمودیم آنوقت بهتر می‌توانستیم عقیده خودمان را اظهار کرده و شاید موافقت حاصل میشد ولی بقول خودشان یک تشکیلاتی را در نظر گرفته اند که ما نمی‌دانیم چه خواهند کرد و یک چنین تشکیلاتی را که انسان نمی‌داند نمی‌تواند برای بدهد زیرا رأی بجهول معقول نیست ولی اگر برای اجرای قانون تشکیلات مالیه اختیارات نخواهند بنده علامت نمودم و باید داده شود و اگر دچار مشکلاتی شدند آن مشکلات را بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند ما مجلس هم با وزیر مساعدت کرده و مشکلات را رفع نماید و الا با این اختیارات غیر محدود بنده مخالفم

نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب -

آقاسید یعقوب - بنده موافق بوده (اجازه)

نایب رئیس - بفرمائید چون مخالف و موافق می‌نویسند یکی پس از دیگری اظهار عقیده کنند

آقاسید یعقوب - بنده عرض می‌کنم اگر آقایان مخالفین یک قدری بجزایان این قانون در دوره فترت نظر کنند می‌بینند این قانون که بوقوع اجرا گذارده شده است تقریباً وزیر نیست زیرا این قانون قانونی است که اساس مالیه را مشغول و وصول و ایصال دانسته است نه قدرت دارا زیرا دفترها تماماً مرتب بود و اگر یک نظری بسرت تمام ادارات مالیه ایالات و ولایات بنمائید خواهید دید همین قانون است که جرأت این همه خلاف وظیفه را باین اجراء دهد پس بنده عرض میکنم که با این قانون مخالفت دارم زیرا که مسئولیت الغای مالیه از بین رفته و همین قانون بوده که از تعدیات نتوانسته جلوگیری کند بطوریکه هر طور خواستند بر ملت بار کنند بار کردند تماماً همانطور که آقای وزیر مالیه اظهار بیان فرمودند یک ماده این قانون کمیسیون تطبیق حوالجات بوده است تصور بفرمائید یک کمیسیون تطبیق حوالجاتی که اینهمه حقوق از خزانه دولت گرفته آیا چه کرده است؟ فلان ضمیمه فلان شهریه را دارد آنرا رسیدگی میکند اما در فلان تصویب نامه که سه یا چهار یا پنجاه تومان یا بیشتر تصویب شده نظری نمیکند و کلیه اگر در تمام موارد توجه بفرمائید خواهید دید که همین مواد قانونی موادی است که ابتدا قابل اجرا نیست به علاوه قوانینی که از مجلس شوری می‌گذرد قوانین آسمانیست که قابل فسخ نباشد قوانینی که وضع میشود بعد از آنکه بوقوع عمل آمد و دیدند اجراء نمی‌شود ممکن است آنرا فسخ نمود مادراین مجلس بشوستر آمریکائی اختیارات تام میدهم در صورتیکه این همه بدبختی‌ها بعد از شوستر برای ما پیدا شد اما یک تصدیق السلطنه که همه ماها دیانت و امانت اومعین شده در عرض سه ماهی خواهد این قوانین را که اسباب تعدی نسبت بملت شده است نسخ کند با کمال جدیت یقه خود را پاره

کرد و فریاد می‌زنیم که اختیارات را از مجلس شورای گرفته و بردند غیر مجلس شورای ملی هست ما و کلام حاضر هستیم و می‌توانیم عملیات وزیر را در تحت نظر گرفته مطابق قانون نظارت و بعقیده من این قانون چنانکه همه مشاهده کرده‌ام غیر قابل اجرا است

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت یا مخالف؟

حاج شیخ اسدالله - موافقت

نایب رئیس - آقای زنجانی غائب بودند آقای مدرس موافقت یا مخالف

مدرس - اساساً موافق ولی با بعضی بیاناتیکه دیگران کردند مخالفم

نایب رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت یا مخالف؟

نصرت الدوله - موافقت

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اولاً لازم است این مسئله را بعنوان توضیح عرض کنم که سوء تفاهم از آقای آقا سید یعقوب بر طرف شود مذاکره و اظهار مخالفت کردن با یک پیشنهاد دلیل بر این نیست که نسبت بیک وزیر اعتماد نیست اگر ما این را مدرک قرار دهیم مذاکرات مجلس شورای ملی بکنی لغواست بلی تماماً آقای مصدق السلطنه اعتماد داشته و تصدیق می‌کنم که یکی از اشخاص صحیح العمل و تحصیل کرده و با تجربه مطلع هستند چنانچه عقیده خود بنده این است که هیچ امری اصلاح نخواهد شد مگر اینکه یگانه ماده که امتیاز فضلی است اجرا شود نه اینکه هر کس امتیاز فضلی ندارد با هزار وسائل غیر مشروع بیست میز و روی یک صندلی بنشیند اگر مأمورین از روی امتیاز فضلی در جانشان منظور شود دیگران از قبیل شاگردان مدارس و محصلین تشویق می‌شوند اما امروزه بدبختی محصل می‌داند که تمام تحصیلاتش بقدر یک توجه بنده قدر و قیمت ندارد پس این اعتماد با آقای مصدق السلطنه جلوگیری نمیکند از اینکه و کلام در ماده که ایشان پیشنهاد کرده اند مذاکره کنند ولی آقای مصدق السلطنه کرار عرض کردم شخص درستکار و صحیح العمل بوده و قادر هستند مالیه را اصلاح نمایند ولی مربوط بمسئله نیست و اینکه فرمودند به شوستر آمریکائی اختیارات تام داریم بنده یکی از مدافعین آن اختیارات هستم و شوستر کی بوده که در خود آن اختیارات بوده و یگانه مستشاریکه بصحبت عمل وظیفه خود را انجام داده و برای خیر خواهی مملکت ما عمل میکرد او بوده بهترین دلیل برای اثبات این مطلب این است کسانی که نمی‌خواستند

مالیه مملکت ما منظم باشد و میخواستند هر روز برای پنج شاهی دستمان را بطرف اجانب دراز کنیم مخالف او بودند شوستر بهترین خدمتگذار و مستشار این مملکت بود اما باین وصف همان اختیارات باعث شده که امشب مادر اینجا این مذاکرات را می‌کنیم برای ما اینکه ما به شوستر آمریکائی اختیار دادیم زیرا باو اعتماد داشتیم و صحت عمل داشت بعد از اینکه او بآن ترتیب ناگوار از دست رفت چه کسی خزانه دار شد؟ جناب مستر شوستر گفته شد مرئوس بلی بیخشد مسیو مرئوس خزانه دار شد و جناب مسیو مرئوس آن اختیارات را گرفته اما چه کردند همان خساراتی را که دیدند بر ما وارد آوردند مقصود از دفع آن قانون و مدافعه که در آن موقعی از آن قانون می‌شد بواسطه همان شوستر آمریکائی نبود که باو اطمینان داشتیم او که از میان رفت و دیگری آمد خراب کرد مجلس که آنوقت نبود تا او را مجبور کنند مطابق قانون رفتار نمایند تا اینکه در دوره سوم آن اختیارات لغو شد امروز هم اگر به تمهید دیگری مثل آقای مصدق السلطنه فرضاً اختیارات را بدهیم اگر فردا نخواستند وزارت مالیه را عهده دار باشند یا اینکه تغییر پست بدهند و این اختیارات بدیگری واگذار شود آنوقت چه خواهد شد کسی اینجا یقه پاره نکرده آن کسی که وظیفه و کالتی را انجام می‌دهد باید بگوید این ماده فلان عیب را دارد منتهی اکثریت مجلس حاکم این قضیه است و قبیله اکثریت مجلس تصدیق نمودند و بعد معایش پیدا شد مسئولیت آن بعهده آن اکثریت است که تصویب می‌کنند و چون در موضوع مالیه هم باورقه رأی گرفته می‌شود معلوم است که چه اشخاص رأی داده‌اند و دیگر جای انکار باقی نخواهد بود مسئول خرابی آن قانون اشخاصی هستند که ورقه های سفید میدهند پس در اینصورت دیگر اشکالی باقی نمی‌ماند و اینکه بنده حالا داخل مطالب می‌شوم بواسطه همان معایبی است که از اختیارات شوستر دیدم بنده می‌گویم اختیارات باید با توضیح باشد تا ماطمئن بشویم حالا بر میگردیم و داخل در مواد می‌شویم و در اینجا صحبت شد که خوب بود بنده باد دیگران بقانون رجوع می‌کردیم و معایب آنرا میدیدیم و آقاسید یعقوب فرمودند خرابی تمام حقوقی که هر ذی نفع در مملکت آزاد و مشروطه داشته باشد رو سالی مالیه کردند بواسطه این قانون است بدبخت قانون کدام يك از موادش اجراء شده و در کدام يك از این مواد نوشته شده که اگر يك مأمور مالیه بول دولت و ملت را حیف و میل کند و بیست هزار تومان بول دولت را از صندوق بردارد و حساب ندهد اگر مأمور همان نبوده بعد از این اقدام مأمور فارس بشود آیا همچو چیزی در قانون تشکیلات مالیه نوشته شده؟ اگر يك قانونی را بوقوع اجرا نمیکند آنرا تصدیق با قانون است؟ بنده نمی‌گویم قانون مالیه قانون آسمانی

است که محتاج بخرج و تعدیل نیست خیر اگر اینطور نبود مجلس يك سال دو سال می‌نشست و قوانینی وضع میکرد و بی کار خود میرفت هیچوقت محتاج بخرج و تعدیل نبوده پس نبودن مجلس و دوام مجلس برای همین مطلب است که وقتی قانونی را نوشتند اگر در موقع عمل معایب پیدا شد دلائل الغاء او را پیشنهاد کنند و با ترتیبات قانون آن ماده را اصلاح یا لغو نمایند یا اینکه فلان ماده را توضیح و تفسیر کنند این مسئله در مجلس هم سابقه ندارد مثل اینکه قانون مملکت را ما وضع کردیم بعد که معایب او پیدا شد آمدند و گفتند اجرای این قانون مشکل است و این اراضی وسیع نمکزار دخل و خرج نمی‌کند و کلاً هم متقاعد شده آنرا حذف کردند چون قانونی آسمانی نبود حذف کردیم حالا بر میگردیم بمطالبی که در اینجا گفته شده چون باید جواب مذاکرات داده شود والا اگر توضیحاتی داده شود دال بر این مطلب که شاید آن مطلب جواب نداشته و اینکه مطالب را عرض میکنم برای اینکه شاید آقای وزیر مالیه بعضی ترتیبات را در نظر داشته باشند و یک توضیحاتی بفرمایند تا مخالفین قانع شده موافق شوند مذاکرات مجلس برای همین است باز بر میگردیم به فرمایشاتی که شده است یکی از چیزهایی که بنده را متحیر کرده این است که آقای وزیر فرمودند مدافع قانون نبوده و فقط بعنوان توضیح عرض میکنم پس اگر مدافع قانون نیستند بنده با کی حرف می‌زنم اول باید مدافع معلوم شود زیرا ایشان اجرا کننده قانون میباشد ایشان در مقابل مجلس مسئول هستند اگر ایشان مسئول معایب نباشند پس کی مدافع خواهد شد مخیر کمیسیون هم مطابق پیشنهاد دفاع از لایحه وزیر میکنند پس اگر آقای وزیر مدافع نباشند ایشان هم مدافع نیستند پس ما از این مذاکرات چه فهمیم این را شاید بنده خوب ملتفت شدم لابد مقصود چیز دیگر بوده مطلب دیگر اینکه فرمودند بنده تصور کردم چیزی داریم و حالا داریم از دست میدهم و حال آنکه چیزی نداریم بنده در يك قسمت از این فرمایش ایشان مخالفم و در يك قسمت موافق قسمتی را که مخالفم این است که عرض میکنم بلی ما خیلی چیزها داریم یعنی تمام حقوقی که هر ذی نفع در مملکت آزاد و مشروطه دارد ما هم ظاهرأ داریم ولی حالا نتوانسته ایم بوظیفه خود عمل کنیم این قسمت را تصدیق میکنم و در آن قسمت که عرض کردم موافقت همین است بطوریکه فرمودند صحیح است چیزی نداریم قبلاً چند ماده از قانون اساسی را یادداشت کردم و الان میخواهم توضیح بدهم که به بیند از برکت مجریان این قانون هیچ نداریم قانون داریم اما چون بمحل عمل می‌آید چیزی نداریم بدبختیم قانون نوشته ایم ولی کتاب از برای کتابخانه

نوشته ایم برای اینکه پشت سرش يك اشخاصی که حقوق خود را دفاع کنند نداشته ایم این است که هیچ چیز نداریم اگر این و کلاً خودمانی بودند که در ایام فترت بوظیفه خودشان عمل میکردند و فریاد می‌زدند حقوق مردم را چرا تضییع میکنند ما همه چیز داشتیم همه نوع قانون نوشته ایم لیکن تماماً قطعه قطعه شده برای همین بنده در اینجا فریاد می‌زنم که شاید از این چیزها که نداریم چیزی داشته باشیم بنده حق دارم یقه را پاره کرده و حتی در پشت کرسی خطابه فریاد اعلام کنم و بگویم هیچ چیز نداریم قانون اساسی هست و مهم ترین قوانین است و ما و کلاً هم تماماً قسم خوردیم که حافظ قانون اساسی باشیم ولی حالا هم که مدتی از دوره مشروطیت میگذرد چند فقره از آن قوانین را عرض میکنم که به بینم داریم یا نداریم بعقیده بنده از همه مهمتر راجع بمعارف است در قانون معارف نوشته شده

ماده اول - تأسیس مدارس بمعارج دولتی و تحصیل اجباری باید مطابق وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و کتاب باید در تحت ریاست عالی و موافقت وزارت علوم و معارف باشد آیا تحصیل اجباری که در قانون معارف نوشته شده داریم؟ پس تصصیر قانون بدبخت چیست؟ نوشته شده ولی بمحل عمل نیامده و معارف کدر تمام ممالک از همه چیز هم است در مملکت ما بدبختانه در آخر درجه واقع شده و هیچ اهمیت ندارد این تصصیر اجراء کنندگان قانون است تصصیر کلام و ملت است که حقوق خود را کاملاً دفاع نمی‌کند پس معلوم شد که چیزی نداریم همانطور که مدرسه هم آنطوریکه باید داشته باشیم نداریم بد انشاء الله دارالفنون ها و خیلی چیزها پیدا خواهیم کرد و همچنین است راجع بقضاوت سایر چیزها بر گردیم بحقوق مالیه که مقصود بنده آنجا است در حقوق مالیه در قانون اساسی نوشته شده

اصل نود و دوم - انجمن های ایالتی و ولایتی اختیار و نظارت مالیه در اصلاحات راجع بمنافع دارند با رعایت حدود قوانین مقرر

آیا انجمن های ایالتی و ولایتی داریم؟ خیر نه انجمن ایالتی داریم نه انجمن ولایتی پس قانون اساسی باید لغو شود و غیر قابل الاجراء باشد

اصل نود و سوم - صورت دخل و خرج ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمن های ایالتی و ولایتی تطبیق و نشر می‌شود همانطور که آقای آقاسید یعقوب فرمودند تطبیق و نشر نمی‌شود آیا تصصیر قانون است که چون انجمن های ایالتی و ولایتی نیست که بحساب امضاء مالیه رسیدگی کند هر سال هر چه می‌خواهند حیف و میل می‌کنند و بعد هم از میان میرود بطور

کمی می توانم که هیچیک ازموادراجع بمالیه مجری نشده مثلا اصل نودوششم میگوید تخفیف و معافیت از پرداخت مالیات منوط بقانون مخصوصی است اگر صورت دوره ایام فترت را بیاورند خواهید دید که چقدر تخفیف و معافیت از مالیات ها تصویب شده آیا اینها تصویب قانون اساسی است خیر تصویب اولیا امروزه است که هنوز صورت عملیات دوره فترت بدست نیامده که بگویم مالیه ملت چه شده یا تعقیب کرده بگویم چون مال ملت را خورده اند باید معاف که و مجازات بشود تا اسباب امیدواری از برای اشخاص صحیح العمل باشد والا باز ترتیب امروزه بدبختانه درستکاری به بی حالی و مهملی وی کفایتی تغییر می شود مثلا می گویند فلان کس مأمور فلان کار بود دوسال هم پدرش خدمت کرد حالا آمده گرسنه است چقدر بی کفایت بود لکن در باره دیگری که رئیس مالیه فلان بلوک بوده و در عرض شش ماه صاحب پارک شده گفته می شود چقدر شخص با کفایتی است درست هم هست اول باید خودش را اداره کند بعد سایرین را این تصویب قانون اساسی است همین نوشته شده هیچ رسوم و انعامی بخرانه دولت حواله نمی شود مگر اینکه بتصویب مجلس شورای ملی و قانونی باشد به بنیم چقدر تصویب نامه برای انعامات صادره از این مالیه بدبخت داده شده بنیم باز تصویب قانون است گمان می کنم تمام مواد را باید در اینجا بخوانم

اصل صد و دوم - دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکک محاسبات اداره مالیه و تفریح حساب کلیه محاسبات خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نموده تغییر تبدیل نه پذیرد و هروجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکک محاسبات مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق و اسناد محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید - خیلی خوب آیاتا بحال بودن محاسبات با وجودیکه قانون هم گذشته است بوده و بوظیفه خود عمل کرده خیر اگر دیوان محاسبات بوده و بوظیفه خود عمل کرده بود همیشه موقع از برای صحبت های بنده و بعضی از آقایان هیچ نبوده و اگر رسال دیوان محاسبات مطابق این اصل وظائف خود را انجام دهد مخارج دولت را مطابق بودجه مصوبه نظارت کرده و نگذاشته بوده مالیه مملکت خراب شود بنده اینجا نمی آمدم فلان رئیس مالیه را متهم کنم که شاید بعضی آنها باری الذمه باشند و آنوقت (فون بیکره) اعتبار مخفی در زمان صکایینه و وثوق الدوله به هفتاد هزار تومان نمیرسید

اینهم تصویب قانون اساسی است لابد اگر دیوان محاسبات نظارت کرده و مطابق بودجه مصوبه عمل کرده نمیکند چیزی تفریط شود البته شهریه هائی را که وزراء بعنوان حق السکوت میدادند نمی توانستند بدهند عیب در قانون نیست هر عیب هست از عدم کفایت ما است والا قانون را خراب نوشته اند ولیکن آن اشخاصیکه مأمور اجرای قانون شده اند حرفه خودشان را در اجرای قانون نمی دانستند باز تکرار میکنم حق با آقای وزیر مالیه است هیچ خبر نداریم یعنی بدبختانه قوانین تماما مطابق نیسان گذاشته شده با تجربه که آقای وزیر دارند مقتضی نبود ازما اختیاراتی بخواهند زیرا هر کاری میکردند صدای ما در نمی آمد چنانکه خیلی از این کارها همینطور می گذرد و صدای ما در نمی آید این قانون اساسی تمامش قطعه قطعه شده صدای ما در نمی آید باز می گویم باعنه این ترتیبات بنده همانطور که فرمودند اساساً اصولایکی از اشخاص آزاد بخواد این مملکت و بایند قانون مستم چنانچه عرض کردم لازم بود این اختیارات را بمجلس پیشنهاد کنند خودشان هر کار میخواستند میکردند بعد وقتیکه ما از ایشان سؤال میکردیم میفرمودند لایحه اش بمجلس پیشنهاد خواهد شد مثل دوره های سابق که ما بوزراء می گفتیم جواب که شما میفرمائید جواب همه سئوالات ما است زیرا هر وقت از وزراء سؤال میکردیم می گفتند تعلیمات لازمه داده شده و اقدامات مجدانه خواهد شد ما هم جواب خود را یاد گرفته بودیم و دیگر ساکت بودیم اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند کمیسیون تطبیق حوالجات باید چه بکنند یا آقای وزیر که فرمودند فقط شهریه چند نفر بیوزن را رسیدگی میکنند کمیسیون تطبیق حوالجات چه میتواند با وزیر بکند البته هرچه میل وزراء است باید برای بدهد اسلحه کمیسیون تطبیق حوالجات مجلس و کلاه هستند که باید بگویند برخلاف قانون عمل شده و اگر مجلس نباشد هر کس از اجزاء آن اداره يك کلمه حرف نزنند اداره نمیشود چنانکه ملاحظه فرموده اید در این مملکت باضای يك نفر سید ضیاءالدین همه چیز ما خراب شد و از بین رفت همیشه او چون بطریق اکل نمایش داده و بطریق اکل نیز معو میشدند تنها در دوره آقا سید ضیاءالدین بلکه قبل از او نیز خیلی تصویب نامه ها از هیئت وزراء در وجه حامل صادر شد که می بردند از بانک با جاهای دیگر می گرفتند خیلی حواله ها در اداره تعدید تریاک هست که فقط نوشته شده فلان مبلغ در وجه حامل به پردازید و اگر بعد ما باین حواله رسیدگی شود معلوم میشود که حامل از اجزاء اداره هم نبود فقط حق السکوت میکرد که ساکت باشد البته وقتی از وزارت مالیه

این مقام اولیه اش افتاد و يك قسمت مواد مبهمی پیدا کرد چیزی را که بنده یاد آوری میکنم این است که آقای وزیر فرمودند قدرت این را دارم که در ظرف ده روز يك قانون تشکیلات تازه پیشنهاد کنم و بودجه آنرا هم فراهم کرده بمجلس بیاورم بنده عرض میکنم چون این قانون را موافق صلاح این مملکت نمی دانم بهتر این است يك چیز دیگری قائم مقام آن بکنند والا معتصر هم باشد فرضاً آن صد ماده است این قانون ه ماده میشود يك چیزی جای او بگذارند و معایب این قانون را بفرمائید و همانطور که خودشان فرمودند اگر خزانة واقعی نمی دانند و می خواهند صندوق برقرار کنند خزانة را لغو کنند و پیشنهاد کنند که از فلان ماده تا فلان ماده که در باب خزانة نوشته شده است این مواد را من حذف می کنم و عوض آن سه ماده از برای صندوق پیشنهاد می کنم

ما هم اول آن سه ماده را رأی می دهیم بعد مواد راجع بخرانه را لغو میکنیم باین ترتیب میشود این قانون را اصلاح کرد لازم نیست نسبت بتمام مواد قانون يك مرتبه اتخاذ رأی کنند ممکن است الا هم فلامه را در نظر بگیرند و این قانون را جزء جزء اصلاح نموده به مجلس بیاورند آنوقت اگر می خواهند فوریت آنرا هم تقاضا کنند و اگر هم لازم بجلسات پشت سر هم باشد منعقد می شود و این يك نکته قانون را اصلاح می کنیم و قانون دیگری وضع میکنیم باین ترتیب در ظرف ده بیست روز قانون اصلاح شده و بکراهی درست میکنیم که عموم مردم از وزیر و وکیل و غیره آسوده شوند چون در این مملکت خراب کردن آسان است آنوقت تمام مردم همچنانکه بدبختانه تا بحال عادت نکرده اند عادت می کنند که هر کاری که بنمایند بقانون رجوع کنند شاید خارج از موضوع باشد ولی تا کون هیچ دیده نشده است که يك حاکمی وقتی يك جائی هست و از يك مأمور مالیه باو مطلبی رجوع میشود رجوع بفلان قانون نکنند و در جواب آن شخص بنویسد این بر خلاف فلان ماده قانون است این از حیثیت هیچ وزیر و فرمانفرمایی کم نمیکند بلکه به حیثیات آنها می افزاید بنده که خبر ندارم آقایانی که خبر دارند بگویند امروز وزراء از دست توصیه عاجز هستند و اغلب وقتشان صرف ملاقاتهای خصوصی میشود و لایتنقطع از آنها درخواست میکنند که فلان کس را بفلان شغل برقرار کنید و فلان ترتیب را مجری کنید و اگر من که يك نفر وکیل هستم يك وقت که يك توصیه می کردم آن وزیر بخطدرت می نوهت مخالف اصل بیست و پنجم قانون اساسی است اینطور نمیشد بنده می خواهم يك قسمت دیگری از تاریخ گذشته عرض کنم يك وقتی بودجه ها بمجلس آمد و برای اینکه روز در از مجلس بگذرد گفته شد خوب است کمیسیون

آن مقام اولیه اش افتاد و يك قسمت مواد مبهمی پیدا کرد چیزی را که بنده یاد آوری میکنم این است که آقای وزیر فرمودند قدرت این را دارم که در ظرف ده روز يك قانون تشکیلات تازه پیشنهاد کنم و بودجه آنرا هم فراهم کرده بمجلس بیاورم بنده عرض میکنم چون این قانون را موافق صلاح این مملکت نمی دانم بهتر این است يك چیز دیگری قائم مقام آن بکنند والا معتصر هم باشد فرضاً آن صد ماده است این قانون ه ماده میشود يك چیزی جای او بگذارند و معایب این قانون را بفرمائید و همانطور که خودشان فرمودند اگر خزانة واقعی نمی دانند و می خواهند صندوق برقرار کنند خزانة را لغو کنند و پیشنهاد کنند که از فلان ماده تا فلان ماده که در باب خزانة نوشته شده است این مواد را من حذف می کنم و عوض آن سه ماده از برای صندوق پیشنهاد می کنم

ما هم اول آن سه ماده را رأی می دهیم بعد مواد راجع بخرانه را لغو میکنیم باین ترتیب میشود این قانون را اصلاح کرد لازم نیست نسبت بتمام مواد قانون يك مرتبه اتخاذ رأی کنند ممکن است الا هم فلامه را در نظر بگیرند و این قانون را جزء جزء اصلاح نموده به مجلس بیاورند آنوقت اگر می خواهند فوریت آنرا هم تقاضا کنند و اگر هم لازم بجلسات پشت سر هم باشد منعقد می شود و این يك نکته قانون را اصلاح می کنیم و قانون دیگری وضع میکنیم باین ترتیب در ظرف ده بیست روز قانون اصلاح شده و بکراهی درست میکنیم که عموم مردم از وزیر و وکیل و غیره آسوده شوند چون در این مملکت خراب کردن آسان است آنوقت تمام مردم همچنانکه بدبختانه تا بحال عادت نکرده اند عادت می کنند که هر کاری که بنمایند بقانون رجوع کنند شاید خارج از موضوع باشد ولی تا کون هیچ دیده نشده است که يك حاکمی وقتی يك جائی هست و از يك مأمور مالیه باو مطلبی رجوع میشود رجوع بفلان قانون نکنند و در جواب آن شخص بنویسد این بر خلاف فلان ماده قانون است این از حیثیت هیچ وزیر و فرمانفرمایی کم نمیکند بلکه به حیثیات آنها می افزاید بنده که خبر ندارم آقایانی که خبر دارند بگویند امروز وزراء از دست توصیه عاجز هستند و اغلب وقتشان صرف ملاقاتهای خصوصی میشود و لایتنقطع از آنها درخواست میکنند که فلان کس را بفلان شغل برقرار کنید و فلان ترتیب را مجری کنید و اگر من که يك نفر وکیل هستم يك وقت که يك توصیه می کردم آن وزیر بخطدرت می نوهت مخالف اصل بیست و پنجم قانون اساسی است اینطور نمیشد بنده می خواهم يك قسمت دیگری از تاریخ گذشته عرض کنم يك وقتی بودجه ها بمجلس آمد و برای اینکه روز در از مجلس بگذرد گفته شد خوب است کمیسیون

فهییم الملك

بنده در مقابل این فرمایشات که شد باید نظریه کمیسیون را توضیح بآمرض کنم در جمله هائی که شاهزاده سلیمان میرزا در عدم رعایت قوانین در این مدت ذکر فرمودند گمان می کنم مخالفی نباشد در این مدت آنطوریکه باید رعایت قوانین نشده است و همین جهت وزیر مالیه مجبور شده است که يك پیشنهاداتی بمجلس بکنند این کسانی را هم که آقای تدین و شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند تمام در کمیسیون مطرح شده و اینکه راجع بمقدمه لایحه آقای تدین فرمودند همین ایراد در کمیسیون شد لکن نظر باینکه لوائح در مجلس مطرح شده بود و نسبت بفوریت یکی از آنها رأی گرفته شده بود دیگر ممکن نبود مجدداً معاوت داده شود برای آتی یاد آوری شد که رعایت این ترتیب بشود و دلایل آن را هم قرار شد شفاهاً از وزیر مالیه بخواهند اما راجع بمعایب قانون آقای وزیر مالیه در کمیسیون توضیحاتی دادند و معلوم شد بعضی معایب در این قانون هست ولی نظر کمیسیون بجلب فوری تخصیص مالیه بود که هرچه زودتر آنها را جلب کنند بعد از آنکه کمیسیون باین قسمت رأی داده و با آقای وزیر مالیه در این قسمت موافقت هدا اظهار فرمودند که تا آمدن مستشار ها ممکن است چندین ماه طول بکشد و قانون فعلی در عملیات معایبی پیدا کرده است و ناچارم تا آمدن مستشار ها اصلاحی در امر مالیه بکنم و قوانین جدید را هم قبل از اینکه يك مدت کم یا زیاد تجربه حاصل کنم نمی توانم پیشنهاد کنم و نسبت بهر کدام از آنها از روی یقین اظهار عقیده کنم و چون مقید بقانون هستند بنابراین خواستند بدو اجازه از مجلس تحصیل کنند که موافق صرفه و صلاح پیشرفت کار اقدامی بکنند و راجع بقانون تشکیلات مالیه مذاکره شد که عنوان

وزیر مالیه

بنده می خواهم عرض کنم

وزیر مالیه

بعد از توضیحاتی که بنده باید بدهم

نایب رئیس

چون خیلی از شب گذشته است اگر آقایان اجازه می فرمایند بقیه شور در ماده واحده بماند برای جلسه دیگر (گفتند صحیح است)

نایب رئیس

اگر تصویب بفرمائید بماند برای جلسه بعد که افکار هم تازه تر باشد ولی باین وصف حضرتعالی مختارید و می توانید اظهارات خود را بفرمائید

وزیر مالیه

بنده می خواهم عرض کنم

نایب رئیس

چون خیلی از شب گذشته است اگر آقایان اجازه می فرمایند بقیه شور در ماده واحده بماند برای جلسه دیگر (گفتند صحیح است)

نایب رئیس

اگر تصویب بفرمائید بماند برای جلسه بعد که افکار هم تازه تر باشد ولی باین وصف حضرتعالی مختارید و می توانید اظهارات خود را بفرمائید

وزیر مالیه

بنده می خواهم عرض کنم

بودجه عوض بمجلس بودجه ها را تصویب کند و پس از آنکه کمیسیون تصویب کرد بودجه عمل بگذارند مدتی ما اینجا وقت صرف کردیم که اولاً ما این اختیارات را داریم که حق مجلس را بکمیسیون بودجه تعویض کنیم یا خیر؟ و فرضاً که این حق بکمیسیون بودجه داده شده آیا پس از اینکه کمیسیون بودجه را تصدیق کرد آقایانی توانیم رد کنیم یا نه؟ و بالاخره ثابت شد که ما می توانیم و حق داریم که اگر فرداً فرد يك مشکلاتی داشته باشیم از وزیر سؤال کنیم و چیزی که تصویب شده رأی بدهیم ورد کنیم در این خصوص عرض می کنم که اگر حالا این اختیار را بوزیر می دهیم بعد از دادن این رأی حق خودمان را سلب می کنیم بنده مخالفم اگر این حق از ما سلب نمی شود ممکن است در موقع عمل آقای وزیر از طرف بنده یا بعضی دیگر دچار مشکلات شوند

نقص قانون بهیچوجه نباید بشود فقط برای مدت ۳ ماه اجازه برای تشکیل بعضی ادارات و انحلال بعضی ادارات دیگر داده شود و چون در قانون فقط بعضی ادارات ذکر شده و بعضی ادارات دیگری است که در قانون ذکر نشده است و بواسطه طول ایام پیدا شده است وزیر مالیه حق داشته باشد ذکر محتاج نشود آنها را حذف کند راجع بآن دولایحه که بکمیسیون ارجاع شد آقای تدین فرمودند که در یکی از آن دولایحه اختیار تشکیل دو کمیسیون داده شده بود ولی در این ماده اختیاراتی داده اند که شاید تهیه چندین کمیسیون ببینند

لوائح تشکیلات آن دو کمیسیون را اگر آقایان دیده باشند در يك ماده اختیار انتخاب اعضا را بمجلس داده بود و در کمیسیون قوانین مالیه هم مذاکره شد که اولاً لازم نخواهد بود اعضایش را بمجلس تعیین کنند و بعلاوه چون کمیسیون قوانین مالیه نخواست فوراً مستشاران خارجه جلب شوند دیگر این تشکیلات زائد را بیورد می دانست لهذا آن لایحه را مطرح قرار نداده و لایحه دیگر موضوع بحث شد و کمیسیون عقیده اش این شد که در ظرف این سه ماه اختیار بوزیر مالیه داده شود اصلاحاتی که بنظر ایشان میرسد بنماید و ادارات را جرح و تعدیل کنند و لوائح قانونی را لازم است در ظرف این مدت پیشنهاد بنمایند ولی آقای وزیر مالیه در کمیسیون اظهار نمودند که شاید لوائح قانون را زودتر پیشنهاد بنمایند و اساساً کمیسیون نقص قانون را در نظر نداشت و اینطور صلاح دانست که برای پیشرفت کار این اختیار بوزیر مالیه داده شود لکن اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند من مدافع این ماده هستم اینطور نیست در کمیسیون قوانین مالیه روزی چند ساعت مذاکره کرده اند و کمیسیون برحسب تقاضای ایشان این ماده را پیشنهاد کرده است والا اگر خود ایشان مدافع نباشند پس مدافع کی است

نقص قانون بهیچوجه نباید بشود فقط برای مدت ۳ ماه اجازه برای تشکیل بعضی ادارات و انحلال بعضی ادارات دیگر داده شود و چون در قانون فقط بعضی ادارات ذکر شده و بعضی ادارات دیگری است که در قانون ذکر نشده است و بواسطه طول ایام پیدا شده است وزیر مالیه حق داشته باشد ذکر محتاج نشود آنها را حذف کند راجع بآن دولایحه که بکمیسیون ارجاع شد آقای تدین فرمودند که در یکی از آن دولایحه اختیار تشکیل دو کمیسیون داده شده بود ولی در این ماده اختیاراتی داده اند که شاید تهیه چندین کمیسیون ببینند

لوائح تشکیلات آن دو کمیسیون را اگر آقایان دیده باشند در يك ماده اختیار انتخاب اعضا را بمجلس داده بود و در کمیسیون قوانین مالیه هم مذاکره شد که اولاً لازم نخواهد بود اعضایش را بمجلس تعیین کنند و بعلاوه چون کمیسیون قوانین مالیه نخواست فوراً مستشاران خارجه جلب شوند دیگر این تشکیلات زائد را بیورد می دانست لهذا آن لایحه را مطرح قرار نداده و لایحه دیگر موضوع بحث شد و کمیسیون عقیده اش این شد که در ظرف این سه ماه اختیار بوزیر مالیه داده شود اصلاحاتی که بنظر ایشان میرسد بنماید و ادارات را جرح و تعدیل کنند و لوائح قانونی را لازم است در ظرف این مدت پیشنهاد بنمایند ولی آقای وزیر مالیه در کمیسیون اظهار نمودند که شاید لوائح قانون را زودتر پیشنهاد بنمایند و اساساً کمیسیون نقص قانون را در نظر نداشت و اینطور صلاح دانست که برای پیشرفت کار این اختیار بوزیر مالیه داده شود لکن اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند من مدافع این ماده هستم اینطور نیست در کمیسیون قوانین مالیه روزی چند ساعت مذاکره کرده اند و کمیسیون برحسب تقاضای ایشان این ماده را پیشنهاد کرده است والا اگر خود ایشان مدافع نباشند پس مدافع کی است

نقص قانون بهیچوجه نباید بشود فقط برای مدت ۳ ماه اجازه برای تشکیل بعضی ادارات و انحلال بعضی ادارات دیگر داده شود و چون در قانون فقط بعضی ادارات ذکر شده و بعضی ادارات دیگری است که در قانون ذکر نشده است و بواسطه طول ایام پیدا شده است وزیر مالیه حق داشته باشد ذکر محتاج نشود آنها را حذف کند راجع بآن دولایحه که بکمیسیون ارجاع شد آقای تدین فرمودند که در یکی از آن دولایحه اختیار تشکیل دو کمیسیون داده شده بود ولی در این ماده اختیاراتی داده اند که شاید تهیه چندین کمیسیون ببینند

لوائح تشکیلات آن دو کمیسیون را اگر آقایان دیده باشند در يك ماده اختیار انتخاب اعضا را بمجلس داده بود و در کمیسیون قوانین مالیه هم مذاکره شد که اولاً لازم نخواهد بود اعضایش را بمجلس تعیین کنند و بعلاوه چون کمیسیون قوانین مالیه نخواست فوراً مستشاران خارجه جلب شوند دیگر این تشکیلات زائد را بیورد می دانست لهذا آن لایحه را مطرح قرار نداده و لایحه دیگر موضوع بحث شد و کمیسیون عقیده اش این شد که در ظرف این سه ماه اختیار بوزیر مالیه داده شود اصلاحاتی که بنظر ایشان میرسد بنماید و ادارات را جرح و تعدیل کنند و لوائح قانونی را لازم است در ظرف این مدت پیشنهاد بنمایند ولی آقای وزیر مالیه در کمیسیون اظهار نمودند که شاید لوائح قانون را زودتر پیشنهاد بنمایند و اساساً کمیسیون نقص قانون را در نظر نداشت و اینطور صلاح دانست که برای پیشرفت کار این اختیار بوزیر مالیه داده شود لکن اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند من مدافع این ماده هستم اینطور نیست در کمیسیون قوانین مالیه روزی چند ساعت مذاکره کرده اند و کمیسیون برحسب تقاضای ایشان این ماده را پیشنهاد کرده است والا اگر خود ایشان مدافع نباشند پس مدافع کی است

نقص قانون بهیچوجه نباید بشود فقط برای مدت ۳ ماه اجازه برای تشکیل بعضی ادارات و انحلال بعضی ادارات دیگر داده شود و چون در قانون فقط بعضی ادارات ذکر شده و بعضی ادارات دیگری است که در قانون ذکر نشده است و بواسطه طول ایام پیدا شده است وزیر مالیه حق داشته باشد ذکر محتاج نشود آنها را حذف کند راجع بآن دولایحه که بکمیسیون ارجاع شد آقای تدین فرمودند که در یکی از آن دولایحه اختیار تشکیل دو کمیسیون داده شده بود ولی در این ماده اختیاراتی داده اند که شاید تهیه چندین کمیسیون ببینند

لوائح تشکیلات آن دو کمیسیون را اگر آقایان دیده باشند در يك ماده اختیار انتخاب اعضا را بمجلس داده بود و در کمیسیون قوانین مالیه هم مذاکره شد که اولاً لازم نخواهد بود اعضایش را بمجلس تعیین کنند و بعلاوه چون کمیسیون قوانین مالیه نخواست فوراً مستشاران خارجه جلب شوند دیگر این تشکیلات زائد را بیورد می دانست لهذا آن لایحه را مطرح قرار نداده و لایحه دیگر موضوع بحث شد و کمیسیون عقیده اش این شد که در ظرف این سه ماه اختیار بوزیر مالیه داده شود اصلاحاتی که بنظر ایشان میرسد بنماید و ادارات را جرح و تعدیل کنند و لوائح قانونی را لازم است در ظرف این مدت پیشنهاد بنمایند ولی آقای وزیر مالیه در کمیسیون اظهار نمودند که شاید لوائح قانون را زودتر پیشنهاد بنمایند و اساساً کمیسیون نقص قانون را در نظر نداشت و اینطور صلاح دانست که برای پیشرفت کار این اختیار بوزیر مالیه داده شود لکن اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند من مدافع این ماده هستم اینطور نیست در کمیسیون قوانین مالیه روزی چند ساعت مذاکره کرده اند و کمیسیون برحسب تقاضای ایشان این ماده را پیشنهاد کرده است والا اگر خود ایشان مدافع نباشند پس مدافع کی است

بنده می خواهم عرض کنم

سبب چه شده است که نسبت باین ماده قانون امشب داریم مذاکره می کنیم پس از آنکه بنده ۱۴ ماه در وزارت مالیه خدمت کردم یعنی آنوقتی که این وزارتخانه دیناری کمک خارجی نداشت با آن تجربیاتی که بنده داشتم با هر ترتیبی بود مخارج مملکتی و هایداتش را میزان نمودم و مخارج از هایدات میگذاشت بعد از آن مدت خدمت بنده باینک یاسی فوق العاده کنار رفتم و بعضی مقدمات دیگری پیش آمد که بالاخره مجبور بسافرت اروپا شدم و از زندگی در ایران مایوس شدم تا اینکه آقای مشیرالدوله بیننده تلگراف فرمودند که بیائیم تهران و حرکت کردم آمدن خدا شاهد است که هیچ مقصودی نداشتم که بیائیم در طهران وزیر شوم یا قبول شغلی کنم مقصود این بود بیائیم در ایران قطع هلاقه از این مملکت بکنم و بروم ورود بنده بایران مصادف شد با استعفای ایالت سابق فارس و بالاخره بموجب تقاضای رئیس السووزاه وقت و اهالی فارس مجبور شدم و در آنجا ماندم و بعد به ترتیبی که همه میدانند آمدن بطهران آقای رئیس الوزراء بواسطه حسن ظنی که داشتند بنده را بوزارت مالیه منصوب کردند حالا چه وضعیاتی پیش آمد که بنده ناچار شدم با آن یاس فوق العاده که از کار کنار کرده بودم قبول بکنم تفصیل این است که یک روز یکی از آقایان و کلاه بمنزل بنده آمدند و یک حرفی بیند زدند که حقیقتاً آن حرف فوق العاده درمن اثر کرده گفتند یا باید ما اظهار کنیم که مرده ایم و حیات نداریم و یا اینکه باید بگوئیم زنده ایم و کار کنیم حالا شما بکنام یک معتقد هستید در مقابل اظهار آن و کیل محترم عرض کردم خیر نباید (اظهار کرد مرده ایم و باید کار کرد و البته این حرف را کسی که هلاقمند بوطن خودش هست باید بگوید بندهم تا می توانم دست و پا میزنم شاید بیک جانی برسم این سبب شد که بنده با یک ملدا کرائی در این کابینه راضی شدم و وزارت مالیه را قبول کردم شاید بعضی از آقایان هم مسیوق باشند که بینه بست های دیگری هم تکلیف شد ولی از آنجا اینکه میگویند هر کس بوطن خود هلاقه مند است که یستی که مهمتر و پر زحمت تر است او را باید قبول کنند تالیقات خودش را نشان دهد و بنده از آن اشخاصی که معتقدند کنار جوئی کنند واز آن کنار جوئی نام نیک حاصل کنند نبودم و معتقد باین اشخاص هم نیستم باین جهت بست مالیه را قبول کردم و خود را مهیا کردم در این بست مهم که قوه مملکت بسته باو است خدمت کنم البته همه آقایان میدانند که در وزارت مالیه امروز نه پول هست نه وسیله است و اکثریت مردم غیر از استفاده نظریه دیگری ندارند قانون را

دوست میدارند در صورتیکه خودشان مستثنی باشند و البته هر کس می خواهد اصلاحاتی بکند غیر از ظرفیت و دشمنی مردم برای او چیزی نیست البته کسی که خیال اصلاحات دارد باید دامن همت بکمر زده و از هر گونه نقش و دشنام و ناسزائی نترسد و خودش را حاضر کند و این مصیبت را برای خودش بخرد بالاخره حالا بنده راضی شده ام و میخواهم خدمت کنم باید فهمید چرا کمیسیون تطبیق حوالجات نتوانست کار بکند آخر تمام تقصیرات را هم بگردن وزراء و کارکنان وقت نباید گذاشت در کمیسیون تطبیق حوالجات من خود یکی از اعضاء بودم ما کار هارا از خودمان دور کردیم بطوریکه مردم اسم ما را کمیسیون تویق حوالجات گذارده بودند اگر ما کار مردم را خوب گذرانده بودیم و از جزئیات صرف نظر میکردیم اینطور نمیشد کسی که علاقه مند بمملکت است نباید با جزئیات صرف نظر کند و به کلیات بپردازد اگر ما جزئیات را بگیریم در کلیات مداخله نکنیم باید از مملکت صرف نظر کنیم این کمیسیون تطبیق حوالجات معتقد بجزئیات بود فرض بفرمائید بیکورقه درخواست انجامی آورند راجع بهمانی صاحبقرانیه یا سلطنت آباد اعضاء کمیسیون میفرمودند آن شیشه خالی لیوناد یا چیز دیگر که آنجا بود چطور شده بآنها می گفتم آقایان کلیات را بگیرند و از جزئیات صرف نظر کنید اولاً جزئیات شما را از کار باز میدارد بخرج نمی رفتند همین آقای مشیرالدوله یک روزی بانصیحت میفرمودند که این قانون تشکیلات که برای وزارت مالیه نوشته شده مقصود از آن نظارت در وزارت مالیه بود بعد فرمودند این کمیسیون تطبیق حوالجات باید کارهای مردم را هر چه زودتر تمام کند و بالاخره یکی از اوضاعین قانون در وزارت جنگ خودش از کمیسیون تطبیق حوالجات شاکی بود بیکروز عرض کردم اگر این قانون بی مورد بود شما چرا وضع کردید و اگر بی مورد نبود چرا شاکی هستید فرمودند همین طور است ولی نباید اشکال تراشی کرد پس لازم است بنده برای خیر مملکت عرض کنم که این اشکال تراشی کمیسیون تطبیق حوالجات سبب شد که کار از آن ما خارج شد بنده گمان می کنم که این مخالفت آقایان و کلا هم سبب خواهد شد که کار از دست مجلس خارج شود بنده امروز میخواهم از روی قانون کار کنم ولی در صورتیکه شما مقید بالفاظ و عبارات نباشید مثلاً آقای تندن می فرمایند بموجب ماده سی و سه نظامنامه داخلی قانون باید مقدمه ذکر شود و چون ذکر نشده این ماده قانونی ندارد نظامنامه صحیح است ولی آنروزی که بنده آن قانون را بمجلس آوردم چطور آوردم مردم بهیئت وزراء و آقایان خواندند موادی بود غیر از آن

مواد بالاخره پس از مذاکرات در آن مواد دیدم معطلی صلاح نیست و باید مواد دیگری ترتیب داده شود این بود که بنده با کمال عجله چون یکساعت بغروب مانده بود این مواد را نوشتم و آوردم (خدا تعالیات و انترک العبادی) باید مسائل را گرفت (اکیسوزه رسوئی) ندارد سبب نیست که ماده قانون فقط است گفتم این قانون را می برم و نظر باینکه کار وزارت مالیه مهم است بزودی از مجلس می گذرد بنده از آنروزی که بوزارت مالیه رفتم تا یکقدم برای کارهای اساسی برنداشته ام برای اینکه منتظر بودم مجلس که باو معتقد هستم و یگانه پشتیبان و مرکز اتکاء من است بمن اجازه می دهد که من داخل در امورات شوم و اگر بینه از مجلس هم اجازه داده نمیشد می توانستم کار کنم ولی بنده می خواهم از روی قانون کار کنم مثلاً بکسی از مواد تشکیلات مالیه میگویند کلیه حوالجات باید با امضاء وزیر باشد اگر یک وزیر مالیه بخواد کارهای اساسی یعنی یک کار هائی که واقماً برای مملکت مفیدتر از امضای فلان حواله است بکند و فرضاً هزار حواله موجود باشد آنوقت نمیتواند بیک معاونی که طرف اعتماد است بگوید که شما این حوالجات را امضاء کنید آنوقت معاون خواهد گفت که شما برخلاف قانون رفتار کرده اید و قانون میگوید تمام حوالجات باید با امضای وزیر مالیه باشد پس این قانون عملی نیست یا اگر وزیر مالیه ناخوش باشند وقتی که حواله میرسد چه باید کرد آیا باید آن وزیر مالیه را از کمیسیون کنند تا بید شود و حواله را امضا کند به حال قانون را طوری باید ترتیب داد که عملی باشد فعلاً این قانون میگوید کلیه حوالجات وزارت مالیه در ولایات باید به تصدیق کمیسیون حوالجات برسد حالا به بینیم این کمیسیون تطبیق حوالجات میتواند اینکار را بکند بنده با آقای سیه دار که وزیر داخله بردند سه چهار مجلس طرفیت پیدا کرده ایشان می خواستند حوالجاتی که متعلق بوزارت داخله بود به تصویب کمیسیون تطبیق حوالجات برسانند بنده عرض کردم بموجب قانون باید باشد در جواب گفتند شما که میگویند بموجب قانون قانون میگوید کلیه وجوهی که در تمام ولایات اساس مالیه باید بپردازند تا تصدیق کمیسیون حوالجات را نداشته باشد نباید بپردازند مثلاً تلگراف بوزارت مالیه میرسد که فلان قنات خراب شده پول حواله کنید باید اول برویم به کمیسیون تطبیق حوالجات و بگوئیم شما پنج نفر آقایان آنرا امضاء کنید و الا اساس مالیه نمیتواند پول بدهند در ممالک دیگر راه آهن و تلگراف و آنرویلان دارند یک همچو قانونی ممکن نیست پیشرفت کند در این مملکت که هیچ نیست چطور میشود این قانون را اجراء کرد اگر یک قناتی خراب شد و حواله آن بکمیسیون تطبیق

حوالجات رفت شاید مثلاً هفتاد روز طول بکشد و به امضاء نرسد آنوقت چه میشود ولی این قانون عملی نبوده اگر بنده میخواستم بطوریکه فرمودند ماده ماده پیشنهاد کنم بکلی از اصلاح وزارت مالیه مایوس بوده و هیچ نمی توانستم کار کنم بلاوه و زرای وقت هم نخواستند کار کنند همان کمیسیون تطبیق حوالجات هم که خودم داخل در آن بودم نمی خواستند در مقابل بدبختی ها مقاومت کنند میگفتند ما اینجا یک حقوقی میگیریم میخواهد حواله بیاید میخواهد نیاید و اگر هم حواله میآمد آنقدر اشکال تراشی میشد تا آنکه وزیر مجبور میشد خودش حواله بدهد خرابی این مملکت تصحیر وزراء و کلاه و رئیس الوزراء و تمام ادارات و مردم است ما واقماً وطن خودمان را دوست نداشته باشیم نمی توانیم از برای آن کار کنیم باید با حقیقت کار کرد و از مسائل صوری صرف نظر نمود باید حقیقت را گرفت برای اینکه با حقیقت میتوانیم نجات پیدا کنیم تا کار از روی حقیقت نباشد و خودمان را از برای هر گونه زحمت و مصیبتی حاضر نکنیم نمی توانیم این مملکت را اصلاح کنیم برای توضیح عرض کردم خوب است آقایان به بینند چه اختیاراتی میخواهند بدهند آنقدر این موضوع را وسعت ندهند و بزرگ نکنند آیا به بنده اختیار میدهند پولی خرج کنم یا جنس دولت را بکسی به بخشم یا یک بودجه را بمیل خود درست کنم و خرج کنم نه بلکه به بنده اختیار میدهند که امروزه اسم فلان اداره را عوض کنم و اسم دیگری بگذارم و اشخاص صلاحیت دار در آن اداره بگذارم بنده هیچ نظری نداشتم جز اینکه یکمده اشخاص را منصف و یکمده دیگری را انتقاب کنم نظرم این بود که یک اداراتی که موافق مصالح مملکتی باشد و برای مالیه و حسن جریان امور معتبر باشد تشکیل بدهم و آنوقت برای این سه یا چهار اداره که لازم داریم بودجه تعیین بکنم بمجلس بفرستم بنده اگر می خواستم قبلاً بگویم چه تشکیلاتی در نظر دارم هزار کاندیدا برای ریاست هر اداره پیدا میشد و با توصیه آقایان و کلاه یا وزراء یا غیر آنها می آمدند و باید بنده متصل مشغول معارضه باشم و با این ترتیب بنده می توانم کار کنم بنده میخواهم این اداره را متعل کنم و با نظریه خودم اشخاصی که صلاحیت و دیانت دارند در آن اداره بگذارم بعد از آنکه گذاشتم شما عملیات مرا ببینید و مجبور می شوید تصدیق کنید افکار مردمی در مملکت ما روشن است بنده نمی توانستم بگویم این چهار پنج اداره را لازم دارم آنوقت از فردا یک عده خودشان را کاندیدای ریاست اداره و شعبه مینمایند و بعدم توصیه از کلاه یا وزراء یا

غیره بیاورند که شما این شخص را محض رضای خدا قبول کنید بنده این کار را نمی توانم بکنم بنده در یک شب وزارت مالیه را مشغول و دو روز بعد تأسیس میکنم و اما اینکه فرمودید اختیارات را به مراد یا شوستر داریم این را فراموش نفرمائید که شما بینه اختیار نمی دهید پولهای مملکت را خرج کنم شما اختیار می دهید بنده یکمیز و صندلی را تغییر بدهم و عوض فلان شخص کس دیگری را می آورم جای او می نشانم اگر این اندازه شما اعتماد بیک وزیر می کنید که می خواهید برای شما کار بکنند ندارید پس این مذاکرات بی مورد است و اگر دارید و می خواهید مملکت را اصلاح کنید باید از این مسائل صرف نظر کنید مثلاً اینکه گفته می شود اگر این قانون را موافق الاجراء بگذارند یک خطری متوجه مملکت می شود روی من سیاه اگر خطری متوجه می شد بنده همچو عرض نمی کردم شما باید بدانید اشخاصی آمدند و قوانین را زیر پا گذاشتند و لغو کردند شما قادر بودید حرف بزنید و زدید بنا بر این اگر اشخاص دیگری هم بعد از بنده سرکار آمدند چه این قانون باشد چه نباشد چه نسخ کنید چه موافق الاجراء بگذارید ابتدا فرق نمیکند هر طور میخواهید کنید بکنید و اگر نیامدند و بنده سر کار بودم و توانستم کار کنم و شما هم حامی و پشتیبان بنده بودید بنده هم مشغول مستم بنده عاجلاً خودم را بیک خطری انداخته ام نظر باینکه هیچ منظوری غیر از خدمت به مملکت ندارم و من در صورتی میتوانم کار کنم که دستهای من باز باشد و هر ساعت بیایند بگویند فلان مسئله چطور شد در این بدبختی مملکت و این بی پولی مملکت برای یک پرگرام هشت جلسه وقت صرف می شود در صورتی که باید تمام این ساعات صرف کارهای فوق العاده مملکت شود حالا ملاحظه بفرمائید اگر از افراد بخوایم از برای هر ماده قانون بیائیم اینجا نسبت بیک ماده که بنظر می رسد مذاکره شود و فوریتش لازم باشد به قیام و فعود رای گرفته شود و رای بدهند آنوقت با اینهمه معطلی نتیجه حاصل شود بنده اینطور نمی توانم خدمت کنم و بهتر می دانم که باز در یاس خودم باقی بمانم **فایب رئیس** - اگر چه بموجب تصویب مجلس معذرتاً مذاکرات امشب ختم می شود و بقیه مذاکرات بجلسه دیگر معول می شود. لکن بنده بر حسب مقامی که امشب اشغال کرده ام لازم است عرض کنم که راجع بتوصیه و کلاه بنده تصور میکنم مجلس شورای ملی آرزومند خواهد بود که هیئت دولت عموماً و وزیر مالیه خصوصاً به توصیه های فرضی افراد خودش وقتی نگذارند تا اینکه اساس توصیه از بین برود و لازم دانستم این مسئله را خاطر نشان آقای وزیر مالیه بکنم گفته شد

صحب است . حالا اگر آقایان موافق باشند دو فقره حصار مختصر داریم تمام کنیم یکی راجع بر خصی آقای رفعت الدوله است چون خانواده ایشان عازم حرکت هستند و حضرت عبدالعظیم هم نقل مکان نمودند در جلسه گذشته رای گرفته شد و بلا تکلیف ماند و نتیجه آن معلوم نشد بنا بر این اگر مخالفی نباشد امشب تجدید رای شود ولی چون از شب خیلی می گذرد بقیام و فعود رای می گیریم . کمیسیون مرخصی با مرخصی دو ماهه آقای رفعت الدوله موافقت نکرده است آقایانی که مرخصی آقای رفعت الدوله را تصویب نمی کنند یعنی بارابورت موافقت قیام فرمایند و آقایانی که مرخصی ایشان را تصویب می نمایند و مخالف راپورت کمیسیون مرخصی هستند قیام نخواهند فرمود باین ترتیب رای می گیریم آقایانی که با راپورت کمیسیون عراض موافق اند قیام فرمایند . (عده قلیلی قیام نمودند) **فایب رئیس** - راپورت کمیسیون رد شد یعنی مرخصی آقای رفعت الدوله تصویب شد . استعفا نامه ایست که از طرف آقای مشیرالدوله رسیده قرائت می شود . آقای تندن استعفا نامه مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند . بنده چون در سه کمیسیون که هبلرت از بودجه و عدلیه و خارجه باشد انتخاب شده ام موافق نظامنامه مجلس فقط می توانم در دو کمیسیون عضویت داشته باشم و باید از عضویت یکی از کمیسیونها استعفاء نمایم لهذا از کمیسیون خارجه استعفاء می نمایم **فایب رئیس** - تصور می کنم انتخاب عوض آقای مشیر الدوله را (اگر چه مشکل است عوضی برای ایشان پیدا کرد) موکول می شود بجلسه بعد بنابراین اگر تصویب میفرمائید دیگر در این باب مذاکره نفرمایند **نصرت الدوله** - کمیسیون خارجه که بنده عضویت و مخبری آن کمیسیون را افتخار دارم با نهایت تأسف و تأثر استعفا می نمایم ایشان را تلقی نمود ولی نظر باینکه خود آقای مشیرالدوله بکمیسیون عدلیه اهمیت می دادند از عضویت کمیسیون خارجه استعفاء فرمودند و بر حسب وعده ای که فرموده اند در تمام جلسات کمیسیون خارجه تشریف خواهند آورد و در مذاکرات شرکت خواهند نمود . بنا بر این کمیسیون قانع و امیدوارم مجلس هم تصویب بفرمایند **فایب رئیس** - آقای آقا سیدیمقوب سؤالی از آقای وزیر معارف دارند . **مجلس** - بنده هم پیشنهادی دارم قرائت

فرمائید .

نایب رئیس - بعد از سؤال آقا سید یعقوب .

مدرس - پس بنده مرخص میشوم چون نماز

نحوانده ام .

(حرکت کرده خارج شدند)

آقا سید یعقوب - این مسئله را بنده میخواهم

عرض کنم و آقای وزیر معارف را باین مسئله متوجه

سازم که ممکن است از ایالات و ولایات که متصل شاگردان

مدارس بطهران می آیند

بعضی از آقایان نمایندگان برای خارج شدن از

مجلس از صندلیهای خود حرکت نمودند .

نایب رئیس - آقایان تشریف نبرید که عده

برای مذاکرات کافی باشد .

آقا سید یعقوب - و در تهران ما مدارس

که شبانه روزی باشد نداریم قهراً بمدارسی می روند

که شبانه روزی است مثل مدرسه آمریکائی و در

آنجا تحصیلات نیست بلکه تبلیغات است همین قدر

آقای وزیر معارف يك توجهی بمدارس بفرمایند که

در مدرسه آمریکائی که امروز در تحت دستور و نظر

وزارت معارف نیست تبلیغات بشود .

وزیر پست و تلگراف - این سؤال نبوده

جواب ندارد .

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام سؤالی راجع

به انعقاد قرارداد پستی بین ایران و افغانستان دارند

و آقای وزیر پست و تلگراف حاضر برای جواب

هستند لکن اگر تصویب بفرمایند بماند برای جلسه

بعد بنا بر این جلسه را ختم می کنیم و دستور جلسه

بعد که روز پنجشنبه دوساعت بغروب است بقرار ذیل

خواهد بود .

اولاً بقیه شور در ماده واحده ثانیاً شور در

عهد نامه منعقدہ بین ایران و چین ضمناً باید بعرض

مجلس برسد که عهد نامه منعقدہ بین دولت ایران و

دولت روسیه هم بمجلس رسیده اگر مخالفی نباشد به

کمیسیون خارجه ارجاع میشود مخالفتی نشد .

(مجلس تقریباً پنج ساعت از شب گذشته ختم

شد) .

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس یوم پنج

شنبه چهارم برج عقرب ۱۳۰۰

مطابق ۲۵ شهر صفر ۱۳۴۰

مجلس يك ساعت قبل از غروب در تحت ریاست

آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم ساشنبه دوم عقرب را آقای

تدین قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس ملاحظاتی هست

یا خیر ؟

(اظهاری نشد)